



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کتب قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتخابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۲۲۵

شنبه ۱۴ بهمن ماه ۱۳۳۱

سال هفتم

شماره مسلسل ۶۴

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۶۴

صورت مشروح مذاکرات مجلس روزیک شنبه

پنجم بهمن ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب :

۱- طرح صورت مجلس

۲- بیانات قبل از دستور - آقایان : وکیل پور - دکتر فقیهی شیرازی -

مهندس حسینی - حائری زاده

۳- تقدیم دو فقره لایحه بوسیله آقای کاظمی نایب نخست وزیر

۴- بقیه مذاکره در لایحه دو فوری تأسیس شرکت اتوبوس رانی

شومی

۵- تعیین موقع و دستور - استبعاد - ختم جلسه

مجلس ساعت نه و چهل و پنج دقیقه صبح بریاست آقای مهندس رضوی (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- طرح صورت مجلس

نایب رئیس - اسامی غائبین - جلسه

تلاش قرائت می شود

(شرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان : مشار -

محمد فرامرزی - رفیع - گنجی - اورنگ

مهدزاده - دکتر معظمی

غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر امامی

ملازمین فرامرزی - صرافزاده - راشد

کثر ملک - دکتر کیان - قنات آبادی -

کثر فاخر - شبستری - امیرافشار - تولیت

ماب خسروانی

نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه

شنبه دوم بهمن ماه ماکر نظری است

ممانند

آقای شبستری

### خسرو افشانی - از خود آقای دکتر

مصباحزاده هم تشکر کرده اند

نایب رئیس - آقای دادور

دادور - تلگرافاتی است از رشت

مبنی بر تأیید دولت و تشکر از مجلس که

تقدیم میکنم

نایب رئیس - بسیار خوب برای

تصویب صورت مجلس چون عده کافی نیست

تصویب صورت مجلس بعداً اعلام خواهد شد

### ۲- بیانات قبل از دستور

آقایان وکیل پور - دکتر

فقیهی شیرازی - مهندس

حسینی - حائری زاده

نایب رئیس - بنا به تقاضای چند نفر

از آقایان به نطق قبل از دستور میپردازیم

آقای وکیل پور بفرمائید وقت مقرر را هم

رعایت بفرمائید

وکیل پور - اطاعت میکنم قبلاً

یک تلگرافی است که از وجوه اهالی جهرم

بوسیله بنده رسیده است دایر بر اینکه روز

دوشنبه ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ اعموم طبقات و اهالی

جهرم و وجوه اهالی از رئیس انجمن شهرو

معاون و وکلای انجمن شهر و سایر آقایان

محترم در تلگرافخانه متعصن بودند برای

اینکه درخواست جناب آقای دکتر مصدق

مورد اجابت مجلس شورای ملی باشد که

تقدیم مجلس شورای ملی میکنم تلگراف

دیگری است بوسیله جناب آقای ریگی

رسیده از ایرانشهر که سران ایلات و عشایر

از وزارت دفاع ملی و ستاد ارتش و افسر

شریف وجدی آنجا اظهار تشکر کرده اند

تقدیم میکنم (شاپوری - اسم افسر چه

بود ؟) اسم افسر آقای ریگی چه بود ؟

(ریگی - سرهنگ نقدی) سرهنگ نقدی عرض

کنم در چند جلسه قبل بنده بطور اختصار

راجم بکارمندان دولت مطالبی

بمرض آقایان محترم رسانیدم ولی چون

وقت کافی نبود باجمال و اختصار بر گذار شد

از لحاظ اهمیت فوق العاده ای که این موضوع

دارد ناچار شدم که باز اسباب تصدیع مجلس

شورای ملی را فراهم کنم برای اینکه خیلی

مطالب مفصل است فقط بیک موضوع از

آن مطالب که هبارت از لایحه قانونی اجرای

بودجه سازمانی وزارتخانه ها و سازمانهای

دولتی است میپردازم در تاریخ نهم دیماه

۱۳۳۱ لایحه ای بعنوان لایحه قانونی اجرای

بودجه سازمانی بتصویب جناب آقای نخست

وزیر رسیده است که این لایحه را وزارت دارائی

تهیه کرده است و بموجب این لایحه کمیسیون

مأموریت پیدا میکند که بکارمندان دولت را از

لحاظ اینکه کی صالح است و کی طالع و از لحاظ

اینکه کی دارای حسن شهرت است و کی

دارای سوء شهرت و خلاصه صلاحیت بقای در خدمت

را دارد بر صلاحیت ندارد معین کند بنده در

اینجا دیدم که معایب بسیاری واقعاً مترتب بر این

لایحه است برای اینکه تنها عیب برانگفته باشم

با صلاح اهل استدلال یک دسته دلایل نقضی و یک

دسته دلایل حلی عرض میکنم اما راجع بدلائل

نقضی دلیل اولش این است که عده ایرا

بعنوان کمیسیون مأمور میکنند که بکار

کارمندان رسیدگی کنند باید دید که صلاحیت

این عده را چه مقامی تشخیص داده مطابق

این لایحه کمیسیون را رئیس کارگزارانی اسامی را

تعیین میکنند و وزیر از این عده معین چند

نفر را برمیگزینند که در حقیقت آن عده

صلاحیت و عدم صلاحیت کارمندان را تشخیص

بدهند بنده فکر میکنم در یک چنین موقعی که

کمیسیون حق دارد یک عده ای را بعنوان

ناصالح بعنوان دارنده سوء شهرت از کار

برکنار بکند در درجه اول باید صلاحیت

خود آن کمیسیون را یک مرجع صلاحیت

دان و بصیری تعیین کند (پور رئیس بسیار

عین مذاکرات مشروح نشست چهارمین جلسه از دوره هفدهم قانون گذاری

اداره نشر و چاپ و توزیع در صورت مجلس



صحيح است) اما دليل دوم دليل دوم اين است که برای تشخيص صلاحيت هيچ نوع شاخص و معيار و مقياس مسلم و معين در نظر نيست بري اينکه وقتي ميگويند کارمندی شايسته است يا شايسته نيست دارای حسن شهرت است يا سوء شهرت يك مقياس معين و شاخص عمومی که در حقيقت بتواند تمام وزارت خانه ها با هم بطور هم آهنگی اين تشخيص را حقيقه بدهند وجود ندارد در اين صلاحيت و حسن شهرت همه از مقوله کيفيات است و يك معيار مخصوصی نميشود برای آن معين کرد مگر اينکه در حقيقت برای اين جور کارها يك شاخص صحيح و صریحی معين بشود که بر گردد و تبديل بشود بمقوله کم مثلا اگر خواستند فرضاً شايستگی کارمندی را تعيين کنند بعقیده من بهتر اين است که بگويند در ظرف ماه مثلا يك کارمند چند نامه نوشته چند اقدام کرده و در اين اقدام چقدر سرعت بکار برده چقدر اشتباه کرده در حقيقت برایش يك شاخص معين بشود و الا يقين دارم وقتي شاخص نباشد افراد در تحت تأثير اغراض تحت تأثير تمصبات و تحت تأثير عوامل روحی قرار ميگيرند بنده معتقدم آن کارمندی که مأمور اين کميسيون است اگر روزی اوقاتش تلخ باشد و يا روزی خدای ناخواسته ناسالم باشد با آن روزی که سالم است و اوقاتش تلخ نيست بکلی تشخيص او متفاوت ميشود روی اين اصل ميخواهم عرض کنم که نقص اساسی که در اين لايحه هست اين است که شاخص و معيار صحيح و قطعی ندارد.

اما مطلب سوم اينست وقتي اين کميسيون می آيد اشخاص صالح را از طالع جدا ميکند و يك اشخاصی را که باصلاح خودش دارای صلاحيت و حسن شهرت هستند از دارندگان سوء شهرت جدا ميکند آنهایی که زائد شناخته می شوند يك مجازات حقيقي پيدا ميکنند يعني در حقيقت اينها ملکوک می شوند محکوم می شوند مجرم شناخته می شوند حالا از بابت اينکه اينها مجازات بکه در قانون جزا معين است برایشان شناخته نشده بکنار اما در حقيقت آن کارمندی که زائد شناخته شد يك چیزی را از دست داده است آن چیز حيثيت و شرف و آبرو و سوابق اداری او است اينها مردودی شوند ملکوک می شوند و بنظر من اين يك مجازاتی است که درباره او اعمال می شود و وقتیکه ما می بينيم علمای حقوق آن علمائیکه در جرم شناسی تحقيق و نتيج کرده اند و علم گريمان لوزی بوجود آورده اند اينها اينهمه تحقيق و نتيج کرده اند اينهمه وسعت داده اند باین علم برای اينکه مبادا در حق فردی ظلم بشود صحيح نيست که ما يك مجازات حقيقي را درباره عده کثیری از کارمندان اجرا بکنيم حتی بدون اينکه با آنها حق دفاع بدهيم (صحيح است) قانون بدون اينکه (اقبال عده کثیری

نيستند) خوب عده کثير با غير کثير الان يك طبقات مختلفي از کارمندان دولت روی اين اصل متزلزل و مضطرب و پريشان هستند بنده می خواهم عرض کنم در اين مورد واقف اين است که يك عده ای که صلاحيت آنها را معلوم نيست چه مقامي تصديق کرده است و در حقيقت اينکارها نيکه . . .

**فایده رئيسی** - اکثریت نيست تأمل بفرمائيد چند نفر از آقایان تشریف بياورند (احظه بعد عده حاصل شد) بفرمائيد.

**و کيل پور** - خلاصه بگمده کسانی که با آنها حق دفاع داده نشده است و در حقيقت برای شناسائی صلاحيت و عدم صلاحيتشان مقياس معين و مسلمی موجود نيست صحيح نيست که يکباره ملکوک بشوند و بعد از آن بعنوان زائد بر کنار بشوند.

اما مطلب چهارم اين است که بقول اهل استدلال باز برخلاف منطق و ترتيب سناعی عمل شده است يعني اهم و اعم را مقدم بر مهم و اخص بشمرده اند موفيقه دولتی می خواهد کارمند زائد خودش را تشخيص بدهد در درجه اول بايد سازمان وزارت خانه ها را بطور تحقيق معين کند که جای هر شئی معلوم معين باشد تا آن وقت بدانند زائد چند نفر است و آنها نيکه بايد باقی بمانند چند نفر خواهند بود شما اگر فرضاً چند قطعه قالی داشته باشيد و يك ساختمانی را بخواهيد بنا کنيد اگر بخواهيد معين کنيد که قطعات قالیتان کم است تا زياد است بدو پاید نقشه ساختمانی خودتان را محرز و روشن کرده باشيد آنوقت اول بدانيد که چند اطاق داريد و چند قالی لازم داريد و چند تا زيادی است بنا بر اين مقدمه اينکار ميبايست اول سازمان وزارت خانه ها را ترتيب داده باشند و درست کرده باشند و بعد اقدام باین عمل کسند و بنده اعتقاد اين است که در وضع حاضر سازمان وزارت خانه ها صحيح نيست بسياری از امور هست چند بار و حداقل سه بار تکرار می شود و برای تکرار عمل عده ای کارمند کار بيهوده و عبت ميکنند قبل از هر چیزی بايستی کادر سازمانی را بعد اقل مورد نیاز تقليل بدهيم و آنوقت معين کنيم کارمند زائد چند نفر است بنا بر اين از اين حيث هم اين لايحه سازمانی عيب اصولی دارد اما عيب مهمتر اين است که اين لايحه موجب عدم رضائت واضطراب و تشنج بين کارمندان دولت شده است بنده فکر ميکنم يکی از خدمات بزرگ شخص شخص جناب آقای دکتر مصدق اين است که يك ملتی که قرنها دچار باس و حرمان بوده است نور امید در قلوب آنها تابيده و آنها را با اينده اميدوار کرده است ما بايستی اين اميدواری را با ایجاد عدم رضائت از بين ببريم (صحيح است) بنده اعتقاد اين است که عدم رضائت بزرگترين دشمن مملکت است زیرا خاصيت عدم رضائت اين است که انسان را بغالت های غير هادی تعريف می

کند انسان را بجنب و جوش واميدارد اگر انسان در جنگلی که پر از حشرات گزنده و حيوانات درنده باشد گير کند ناچار تلاش ميکند ده پای ديگر هم فرض ميکند که از آن مهلکه برهد در اين موقع اگر هر کسی گزاهی را باو نشان بدهد دنبال آن راه ميرود بنا بر اين بايستی کاری نکنيم که موجبات عدم رضائت واضطراب بين يکدسته نيرومندی که صنف کارمندان دولت است بوجود بياوريم در حالی که اين دسته چه بخواهيم و چه نخواهيم روی اشتراک منفعت مادی که دارند مانند يك خانواده بهم بستگی و پيوستگی دارند و نيروی عظيم و مقتدری هستند بنا بر اين اين عيب مهم ديگر هم ناشی از اين لايحه سازمانی است بنده نمی خواهم عرض کنم که در حقيقت رفوم و اصلاح لازم نيست اما مطلب اين است که هر تغيير وضعی متضمن اصلاح نيست و باز بقول اهل منطق بين اصلاح و بين تغيير وضع نسبت - عموم و خصوص مطلق است يعني هر اصلاحی متضمن تغيير وضع هست اما هر تغيير وضعی متضمن اصلاح نيست بنا بر اين بنظر بنده - بايستی در اينکار تجديد نظری صحيح بشود و راه حل آنهم بسيار ساده است اولاً با اعتقاد بنده کارمند دولت اينقدر که ميگويند زياد نيست بسياری از کارهای مفيد هست که ميشود بکارمندان دولت برگذار کرد و از وجودشان استفاده کرد در دفعه قبل هم عرض کردم که وزارت پست و تلگراف بدو برابر کارمند فعلی شايد احتياج داشته باشد الان جمعيت دردهات و قراء و قصبات بطور تحقيق معلوم نيست اداره - آمار شايد به جمعيت بيشتري احتياج داشته باشد همچنين آمار کشاورزی و صنعتی وغير ذلک نداريم و برای تمام اين کارها افراد معين احتياج داريم بنا بر اين اگر هم فرض کنيم که کارمند زياد است باز طريقه تقليل آنها را خيلي ساده تر ميتوان تأمين کرد - ما نظور نيکه قبلا عرض کردم ميبايست اول سازمان وزارت خانه ها را بدهيم عده کارمندان مورد نیاز را تعيين کنيم بعد عده کارمندان زائد معلوم بشود و يك شاخص صحيحی برای صلاحيت کارمندان در نظر بگيريم آنوقت طبقات مختلفي پيدا ميشوند يك طبقه دسته ای هستند که بسن تقاعد رسیده اند بنظر بنده بايستی در يك جنبه وضعيه دولت ميگويد کارمندان زياد دارد بايد آن طبقه متقاعدين را در درجه اول متقاعد کند با اظهار رضائت و با وضعی شايسته باشد يك طبقه ديگری در دستکاه دولت هستند که دارای تمکن مالی هستند گواينکه ممکن است که گفته شود اشخاص متعكن را مشکل است تشخيص داد و شايد اشخاصی باشند که از نظر اينکه دارای تخصص خاصی هستند مورد احتياج باشند ميشود اينها را بدون حقوق بعنوان کارمند افتتاری قبول کرد ولی علی ای حال اگر کسانی بودند و متعكن بودند بايد در درجه دوم آنها را برگذار کرد در درجه سوم کسانی

که محکوميت قطعی پيدا کرده اند و برر کيفری آنها از مراحل قانونی گذشته در اينصورت آن تيب و طبقه هم بايستی خدمت بر کنار بشوند بگمده ديگر کس هستند که در طول خدمت نافرمانی و بسيار از آنها سرزده آنها هم البته برای اخراج شدن مقدم هستند زیرا عرض کردم وقتیکه چنين شاخصی باشد هيچگونه تميز و اعمال غرض نمی شود و عده ای هم که تقاعد بازنشستگی ميکنند ميشود بايك ارفاق همينطور که در اين لايحه هم پيش بينی شده آنها را بازنشسته کرد علاوه بر اين برای اينکه اين مردمی هم که از کار بر کنار می شوند زائد و بيکار نباشند و بيکاری آنها خطرناک و خطرناک برای مملکت ایجاد نکند راهش اين است که يك قسمت از اراضی خالی يا اراضی که دولت به ثبت رسانيده است با تقسيم کند و بوليکه از بابت حقوق اين طبقه صرفه جوئی ميشود بعنوان بانک کشاورزی تأمين کند که در امور کشاورزی آسانسيلات لازم بعمل بياورند قطع نظر از اين موضوعی که عرض کردم کارمندان وزارت دارائی نظرياتی به وزارت دارائی داده اند که در عين حال از جهات عديده به لايحه اين وزارت دارائی به تصويب رسانيده است رجحان و برتری دارد (اقبال - جناب آقای و کيل پور آنها نيکه بکار ميگردند حقوق ميگيرند برای آنها چه بکنند جناب آقای اقبال عرض کردم آنها را بکار نگذارند گفتم با آنها از همین دستهای معاف ميکنند يك قسمت از اراضی خالی بدهند و آنها را به امور کشاورزی سوق بدهند و برای اينکه سرمايه نقدی هم داشته باشند از محل حقوق بکه صرفه جوئی ميکنند بکار کشاورزی سرمايه ای برای آنها تأمين کنند و تشکيل شرکت بدهد که در حقيقت شرکت شيار و شخم باشد بذر بدهد و وسايل کار را فراهم کند (اقبال - آنها که جز خيال کردی کاری ندارند دنبال کشاورزی می روند) اگر نرفتند بحث ديگری است و امروز نبايد گذاشت و اجازه داد که بکدام مجتمع و متشکل وهم صنفی بکار بمانند بر می بينم که اينکار بسيار خطرناک است علی ای حال کارمندان لباسيه و ديپل وزارت دارائی هم پيشنهادهای در همین زمين و قريب بهمين مضمون داده اند که ميگويد اولاً کميسيونها در قدم اول کليه کارمندان را که واجد شرايط بازنشستگی می باشند بلافاصله طبق قانون اخير بايد آنها بازنشسته نمايند.

۲ - کسانی که پيشينه کيفری دارند موقتاً از امور اين وزارت خانه بر کنار بشوند تا بوضع آنها رسيدگی و تکميلشان شود ۳ - با توجه بشرايط بالا و مراعات اول کار بکارمندان صحيح العمل داده شود و هر کارمندی که واجد شرايط و شايستگي است بکار بگمارند ۴ - هر گاه عده



نداشتن پزشک و جراح تا حدی اصلاح می شد و آنقدر کارمندان دولت دچار زجر و شکنجه ناخوشی نباشند و وضع بهداشت بهداری کشور بصورت اسف انگیز امروز نیافتاد گر چه دیگران هم حق دارند بگویند مگر وضع بهداشتی مجلس خوب است مگر اصل تبعیض و حق کشی در بهداشتی مجلس حکمفرما نیست مگر در بهداشتی مجلس افراط تفریط نباشد مگر بهداشتی مجلس با داشتن بودجه کافی جهت خرید دوا و عمده فروشی ها بانهگاه دارونی که خود بکنوم مؤسسه دلالی است دوا تهیه نمیکند مگر بهداشتی مجلس باوصف همه گونه وسائلی که در دست دارد دوا مورد احتیاج مستخدمین خود را دارد بهداشتی مجلس امروز دوا ی اساسی ندارد دندان ساز ندارد ولی در عوض متخصصان امراض زنانه دارد که با صرف روزی یک ساعت وقت ماهی هفتصد تومان حقوق دریافت می کنند بهداشتی مجلس پزشکی که مدت دو سال است با مجلس نگاه داشته ماهی چهار صد تومان حقوق انتظار خدمت میدهد ( مهندس فروری - اسمش چه؟ ) و بالاخره در بهداشتی مجلس هم اصل تبعیض و حق کشی و انواع واقسام هرج و مرج و ظلم و ستم حکمفرما است که انشاء الله در موقع طرح بودجه مجلس بعرض خواهیم رسانید و انشاء الله این جریانات مورد توجه آقایان اعضاء کمیسیون معاصبات واقع خواهد شد ولی این جریان دلیل بر آن نمیشود که از همکاران گرامی استدعا کنیم توجه بوضع بهداشت و بهداری کشور فرمایند و اگر دولت فرصت تهیه لوازم ضروری و لازم درباره بهداشت ندارد همکاران محترم اجازه خواهند فرمود بصورت طرح مطالبی را که فوق العاده حیاتی و ضروری بنظر میرسد تعقیب نمایم اکنون سؤالی است که بوسیله ریاست محترم مجلس از آقای کفیل وزارت بهداشتی میگویم درباره وضع وارد کردن دوا کیفیت تشکیل کمیسیون های ترخیص و گمرکی و تثبیت قیمت ها علت آزاد گذاردن دلال های دوا فروش در باره تبلیغات دروغ و ناروا بوسیله جراید و رادیو طرز کار بنگاه دارونی کشور سبب گرانی روز افزون داروهای ضد میکروبی و آنتی بیوتیک ها با اینکه هیچ وجه کمربند ندارند و بطور کلی پرش در باره این نکته که چه فکری برای جلوگیری از این همه هرج و مرج شده تقدیم میشود بقیه مراض خود را مگر کول بروز طرح سؤال میکنم در پایان از ذکر یک نکته نمیتوان غفلت نمود و آن خدمتی است که مؤسسات عام المنفعه کشور مانند مؤسسه شیرو خورشید سرخ و درمانگاههای سازمان شاهنشاهی انجام میدهند کدام شخص منصفی است که بتواند منکر خدمات این قبیل مؤسسات عام المنفعه شود متأسفانه اکنون از کمک و مساعدتی که از سالها قبل باینطرف

مستقیم مینویسد راستگی ( خنده نمایندگان ) حقیقه اسباب کمال تأسف است که یک فردی که در رأس ستاد ارتش نشسته است بجای اینکه بکار نظامی و جنگی بپردازد ( افشار صادقی - صحیح است ) می نشیند و میخواهد لغت وضع کند و کار فرهنگستان را بکند ( دکتر شایگان - بسیار مضحک است ) من بسیار اسباب تأسفم شدم امیدوارم همین تذکر کافی باشد چون شنیدم اتفاقاً مرد شریفی هم هست ولی نباید این حق را بخودش بدهد بنا بر جناب آقای رئیس از بقیه مطالب صرف نظر میکنم

**نایب رئیس - آقای دکتر فقیهی شیرازی**

درباره تندوستی و صحت محتاج نیست حضور آقایان نمایندگان محترم توضیحاتی داده شود زیرا یقیناً هر یک از آقایان فصلی از این بحث را مرکز ذهن دارند بهمین جهت شایسته است درباره بهداشت کشور اندکی فکر کنیم و متوجه شویم که جان میلبونها مردم مستمند کشور در معرض مخاطره است کدام استان یا شهرستانی را سراغ دارید که وضع بهداشت و بهداریش منظم باشد و جان مردم دور افتاده از نواحی مرکزی آن دچار شکنجه و عذاب نباشد پر دور نرویم آبادر همین پایتخت در ماه چند نفر طفل بیگناه به علت ابتلاء بدیفتری از بین میروند حال مردم قراء و قصبات اطراف پایتخت معلوم است و وای بر حال اسف انگیز مردم شهرستانها بخصوص نقاط دور افتاده از مراکز بهداشتی که عموماً فاقد همه گونه وسائل درمانی هستند و برای مختصر مداوا و معالجه اگر استطاعتی در بین باشند فرسنگها مسافت لازمست اینوصف ناچیزترین اقلام هزینه کشور را بوجه بهداشتی تشکیل می دهد آقایان نمایندگان محترم همانقسم که فرهنگ کشور ضامن اعتبار و آبرو و استقلال کشور است بهداشتی هم مسئول حفظ سلامتی و تندرستی مردم میباشد این بودجه ای که دولت به مجلس تقدیم کرده و مخارجی که برای بهداشتی پیش بینی شده از هم اکنون می توان گفت که کار از وضع موجود هم دشوارتر خواهد شد میدانم غالب آقایان از وضع بهداشتی حوزه انتخابیه خود شاکی هستید مردم دوان دارند پزشک جراح ندارند و از هر حیث و هر جهت در مضیق هستند ولی باور کنید عمده این مصائب مربوطست به نهمی بودن صندوق بهداشتی بنا بر این توجه همکاران محترم را که در کمیسیون بودجه کشور شرکت دارند بدینوسیله جلب و انتظار مسامحت بیشتری نسبت ببودجه وزارت بهداشتی دارم در همین حال مراض اینجانب حمل بر طرفداری از وزارت بهداشتی نشود نکات ضروری و لازم را که تا بحال وزارت بهداشتی بدانها توجه نکرده بکنار دیگر مخفی شوم بدیهی است مقام و اهمیت وزارت بهداشتی هنگامی

نداشتن میبایند به قسمت هاییکه در سایر دستگاه های دولتی نیازمند هستند منتقل بشوند . لحظه میفرمایید حتی پیشنهادی که درمجلس ایسانسبه و دبلیمه وزارت دارائی داده اند و مورد رضایت و قبول تمام کارمندان است از جهات بسیار برای لایحه رجعت برتری دارد .

**نایب رئیس - آقای وکیل پور**

تمامی تمام شده است وکیل پور - سه هفته اجازه بفرمایید نایب رئیس - بفرمایید وکیل پور - نامه ای یکی از کارمندان وزارت دارائی که بسن باز نشستگی رسیده مینویسد : اینجانب فلان بشهادت پرورنده کارگزینی چون دیگر بواسطه ضعف توان وضع باصره قادر با ادامه خدمت نمی باشم مستعدی هستم با اداره کارگزینی وزارت رانی مرقوم فرمایند حکم باز نشستگی بنده را صادر فرمایند یکی از اولیاء وزارت دارائی زیر این نامه مینویسد فعلاً با دو ماه مرخصی ایشان - موافقت میشود تا در این مدت استراحت فرموده شاید انصراف حاصل فرمایند ( یکی از نمایندگان - انشاء الله جوان بشود ) شما رابه خدا قسم در یک دستگاهی که اینقدر از زیادی کارمند مینالند آنوقت یک فردی که در رأس کار نشسته است بیک کسی که بسن تقاعد رسیده و خودش مدغن و معترف است که قوای باصره و قوای بدنی کافی برای ادامه خدمت ندارد میگوید استراحت کن شاید انصراف حاصل کنی این است معنی هم آهنگی من بسیار متأسفم و واقعاً تعجب میکنم که اینجاست انسان میبیند یک رئیس دولت با چند هزار گرفتاری و مشکل روبرو است و یک کار اصلاحی که بخواهد بگذراند چقدر زحمت و رنج میبرد ( اقبال - عمده ای اضافه بکار داده میشود ) مقصود این است که این وضع کاری است که در وزارت خانه است بنده چون وقت تمام شده است چند مطلب دیگر داشتم طرح نمیکند و اما یک مطلب دیگری هم که برای رفع خستگی آقایان میخواهم عرض کنم این است که اخیراً شنیدم که بعضی از این ادارات هم خودشان برای خودشان یک اختیاراتی قائل شده اند مثلاً شنیدم رئیس ستاد ارتش بخودش اختیار داده است که لغت وضع کند و در تمام مکاتبات لغات عجیب و غریبی استعمال کند مثلاً بجای خیلی خیلی فوری مینویسد تند تند و اشتاب بجای مهرانه مینویسد پنهانی بجای

مورد توجه و حمایت آقایان نمایندگان واقع می شود که اولیای آنوزارتخانه نیز اهمال در انجام وظائف قانونی و وجدانی خود نکنند مثلاً معلوم نیست چرا بوجه جهت هنوز وضع بنگاه دارونی بهمان حال اسف آور سابق باقیست و مؤسسه اش که میتواند جان مردم را از دست بگمشت دلال معلوم الحال سرگردان خلاص کند چرا هنوز خود از خریداران دائم همان مردم سرگردان است و چرا ساده ترین و ارزاترین دوا را با گرانترین قیمت در دسترس وزارت بهداشتی میگذازد و از طرف دیگر دلالها هر نوع دارونی غیر مؤثر و یا فاسد را بکشور وارد کرده و بخورد مردم می دهند و کسی نیست که از این هرج و مرج جلوگیری کند کمیسیونهایی هم که تا بحال اسناد و وزارتین بهداشتی و اقتصاد برای رسیدگی باین قبیل موضوعات تشکیل می شود کاری از پیش نمیرند چون اصل تبعیض و بی اطلاعی و بعضی کارهای دیگر در غالب این کمیسیونها حکم فرماست و حتی تفکیک داروی ضروری از غیر ضروری بصورت خاصی است که اهل فن از آن اطلاع دارند شما ملاحظه بفرمایید کشوریکه به علت قلت نفوس در غالب شهرستانها کار کشاورزی مهمل مانده فلان دلال دوا فروش با کمال بی شرمی و وفاحت کمی دبا ف اکم وارد میکند و علناً در جراید اعلان میکند که بانوان محترمه اگر می خواهند از زحمت آستنی و حمل و بچه داری نجات پیدا کنید کمی دبا ف را کم تهیه کنید این مؤسسه بمنرات مختلف و کالبرهای متنوع وارد کرده شما را بغدا اسم این هرج و مرج و بی هفتی و فساد اخلاق را چه میگذازد .

اگر قانون برای جلوگیری از این قبیل بدبختی ها و بی هفتی ها که عاقبت کشور را بسوی هلاک و نیستی خواهد برد ندارد بصورت لایحه و قانون با قید فوریت بمجلس بیاورید و هر چه زودتر جلو گیری از این همه هرج و مرج مالی و اخلاقی کنید مشروط بآنکه در قانون و آئین نامه های مربوطه نوعی صلاح اندیشی و پیش بینی شود که مستمسک و بهانه بدست اعضاء کمیسیونها داده نشود زیرا یک قسمت عمده علت گرانی دواها امروز مخارج مخفی مستور و غیر مستمر است که نمایندگان وارد کننده دوا دارند و بناچار این قبیل مخارج غیر قانونی را روی قیمت دوا میکشند نتیجه کار بر شدن اثنار بانگهای رهنی است از اثاثیه ضروری خانه بینوایان که پول آن بصرف خرید دوا رده اگر وزارت بهداشتی لاقول دوا ی مورد نیاز مندی بیمارستانها را مستقیماً از خارج وارد کند قطعاً در پایین آوردن قیمت ها تأثیر نیست اگر وزارت بهداشتی مانند وزارت داد گستری که لا اقل برای پایه علمی ایسانسبه های حقوق ارزشی قائل شده قیمتی برای پزشکان دانشگاه دیده قائل میشد وضع شهرستانهای ما از حیث

نداشتن پزشک و جراح تا حدی اصلاح می شد و آنقدر کارمندان دولت دچار زجر و شکنجه ناخوشی نباشند و وضع بهداشت بهداری کشور بصورت اسف انگیز امروز نیافتاد گر چه دیگران هم حق دارند بگویند مگر وضع بهداشتی مجلس خوب است مگر اصل تبعیض و حق کشی در بهداشتی مجلس حکمفرما نیست مگر در بهداشتی مجلس افراط تفریط نباشد مگر بهداشتی مجلس با داشتن بودجه کافی جهت خرید دوا و عمده فروشی ها بانهگاه دارونی که خود بکنوم مؤسسه دلالی است دوا تهیه نمیکند مگر بهداشتی مجلس باوصف همه گونه وسائلی که در دست دارد دوا مورد احتیاج مستخدمین خود را دارد بهداشتی مجلس امروز دوا ی اساسی ندارد دندان ساز ندارد ولی در عوض متخصصان امراض زنانه دارد که با صرف روزی یک ساعت وقت ماهی هفتصد تومان حقوق دریافت می کنند بهداشتی مجلس پزشکی که مدت دو سال است با مجلس نگاه داشته ماهی چهار صد تومان حقوق انتظار خدمت میدهد ( مهندس فروری - اسمش چه؟ ) و بالاخره در بهداشتی مجلس هم اصل تبعیض و حق کشی و انواع واقسام هرج و مرج و ظلم و ستم حکمفرما است که انشاء الله در موقع طرح بودجه مجلس بعرض خواهیم رسانید و انشاء الله این جریانات مورد توجه آقایان اعضاء کمیسیون معاصبات واقع خواهد شد ولی این جریان دلیل بر آن نمیشود که از همکاران گرامی استدعا کنیم توجه بوضع بهداشت و بهداری کشور فرمایند و اگر دولت فرصت تهیه لوازم ضروری و لازم درباره بهداشت ندارد همکاران محترم اجازه خواهند فرمود بصورت طرح مطالبی را که فوق العاده حیاتی و ضروری بنظر میرسد تعقیب نمایم اکنون سؤالی است که بوسیله ریاست محترم مجلس از آقای کفیل وزارت بهداشتی میگویم درباره وضع وارد کردن دوا کیفیت تشکیل کمیسیون های ترخیص و گمرکی و تثبیت قیمت ها علت آزاد گذاردن دلال های دوا فروش در باره تبلیغات دروغ و ناروا بوسیله جراید و رادیو طرز کار بنگاه دارونی کشور سبب گرانی روز افزون داروهای ضد میکروبی و آنتی بیوتیک ها با اینکه هیچ وجه کمربند ندارند و بطور کلی پرش در باره این نکته که چه فکری برای جلوگیری از این همه هرج و مرج شده تقدیم میشود بقیه مراض خود را مگر کول بروز طرح سؤال میکنم در پایان از ذکر یک نکته نمیتوان غفلت نمود و آن خدمتی است که مؤسسات عام المنفعه کشور مانند مؤسسه شیرو خورشید سرخ و درمانگاههای سازمان شاهنشاهی انجام میدهند کدام شخص منصفی است که بتواند منکر خدمات این قبیل مؤسسات عام المنفعه شود متأسفانه اکنون از کمک و مساعدتی که از سالها قبل باینطرف



چند تلگراف است که همکار محترم آقای ریگی تقاضا کرده اند بریاست محترم مجلس تقدیم کنم و بقراری که اظهار داشته این تلگرافات از حوزه انتخابیه آقای ریگی منبئ بررشتیانی از دولت جناب آقای دکتر مصدق رسیده است . سؤال راهم تقدیم مقام ریاست میکنم که تعیین وقت بفرمایند سه دقیقه از وقت بنده که باقیمانده است جناب آقای حائری زاده تقاضا فرموده اند و یک دقیقه را هم آقای کریمی بنا بر این بقیه عرایض خانمه میدهم

**میراشرافی** - آقای دکتر آن دوا را توضیح ندادید

**دکتر فقیهی شیرازی** - باید در روزنامه آتش بنویسم

**فایبر رئیس** - آقای مهندس حسینی **حائری زاده** - مگر از سه دقیقه نمی شود استفاده کنم ؟

**فایبر رئیس** - ممکن است در خانمه بفرمائید

**حائری زاده** - راجع بمهندس زاهدی میخواستم تذکر بدهم

**فایبر رئیس** - از وقت ایشان دودقیقه باقی مانده آقای مهندس حسینی ۳ دقیقه برای ایشان بگذارید

**مهندس حسینی** - آقایان در نظر دارند که کشتی رزماری وقتی از ایران حرکت کرد آنها بعدن بردند و یک رأی صادر شد که برخلاف تمام آراء صادر شده در همه زمانها توسط تمام ممالک دیگر دنیا بود در آن روزها بنده میخواستم مطالبی که اطلاع داشتم و مدار کی که داشتم تقدیم مجلس شورای ملی بکنم ولی میسر نشد آقایان میدانند که در آنوقت پیش آمد هائی شد و بنده وقت مجلس را ذیقمت تر از این میدانستم و حالا که این کشتی میریلا آمده است و بطرف ایتالیا می رود باز سرو صدا هائی هست که بنده خواستم از نظر ملت ایران و آقایان نمایندگان این اطلاعاتی که از این جهت اطمینان بخش است بعرض برسانم یکی از مدار کی که بنده در اختیار دارم و ترجمه اش را هم عرض میکنم

سؤال کرده است این بنگاه با اصطلاح مشاور حقوقی نیویورک کرده است این بنگاه جوابی داده بان سؤال کننده که بنده مفاد ترجمه اش را حضور آقایان اول میخواهم شخصی که خریدار نفت ایران بوده است سؤالی شرح زیر از دفتر مشاوره حقوقی **Anballe** مقیم نیویورک نموده است:

آیا در صورتیکه نفت ملی شده ایران برای فروش بامریکا حمل شود کسی که مدعی مالکیت نفت مزبور باشد میتواند آنرا خواه از دولت ایران خواه از خریدار مطالبه نماید یا خیر در جواب این سؤال دفتر مشاوره حقوقی نامبرده اینطور میفرماید:

در امریکا اقامه دعوی علیه دولت دیگر مانند دولت ایران ممکن نیست هم چنین دارائی دولت های دیگر در امریکا قابل توقیف نمیشود در چندین معاکم معروف طبق این اصل حکم داده شده که مهمترین آنها **Schooner Exc Hange** دعوی علیه **Mc Fadden** میباشد و رأی آن از طرف دیوان عالی ممالک متحده امریکا صادر شده است - بملاوه نکته ای که مهمتر است این است که در داد گاههای امریکا نمیتوان علیه دولت دیگری باین عنوان اقامه دعوا نمود که اموالی را در حدود کشور خود ضبط یا مصادره نموده است هر گونه حق مالکیتی که از طریق یک چنین مصادره ای تحصیل شده باشد در امریکا معتبر شناخته میشود و این حق را میتوان بدیگری منتقل نمود این اصل در دعوی شرکت **Salimoff** علیه شرکت نفت استاندارد مطرح گردید باین معنی که دولت شوروی اراضی نفت خیزی را که متعلق باتابع روسیه بود ضبط نموده و نفت از آن استخراج کرده و به شرکت نفت استاندارد فروخته بود مالک قبلی اراضی مزبور علیه شرکت نفت استاندارد اقامه دعوا نموده و باستناد اینکه هیچ حق قانونی بوسیله این معامله بقدر بدار منتقل نگردیده است ثمن معامله را از مشارالیه مطالبه نمود . داد گاه استیناف نیویورک دادخواه را محکوم به بی حقی نمود باین استدلال که داد گاههای امریکا نمیتوانند اعتبار عملیاتی را که یک دولت خارجی در حدود قلمرو خود انجام داده است مورد تردید و بحث قرار دهند - در این مورد مخصوصاً باید توجه داشت که حکم مزبور برفع دولت شوروی هنگامی صادر گردید که دولت امریکا هنوز دولت شوروی را بر سمیت نشناخته بود - مورد دیگر معاکم متکی به همین اصل است معاکم **Detgen** علیه شرکت مرکزی جرمن است که نکات اساسی آن بشرح زیر میباشد:

یک دولت انقلابی مکزیک قبل از اینکه از طرف دولت امریکا بر سمیت شناخته شود مقداری پوست متعلق باتابع مکزیک را ضبط نموده و به یک شرکت تگزاس **Texas** فروخت موتیکه پوستهای مزبور بامریکا حمل شد شخصی بنامندگی مالکین قبلی دعوائی طرح نمود تقاضای تسلیم پوستهای مزبور را کرد ولی دیوان عالی ممالک متحده امریکا تقاضای مزبور را رد نموده و ضمن رأی چنین اظهار نمود:

هر دولت واحد حاکمیتی مجبور است استقلال دول صاحب حاکمیت دیگر را محترم بشمارد و هیچ دولتی نمیتواند اعمال دولت دیگر را که در حدود قلمرو آن دولت انجام یافته است تحت قضاوت قرار داده و چنانچه کسی در نتیجه چنین اعمال حاکمیت متصرف شده باشد بایستی بوسائلی که دولتهای مستقل بین خود قرار داده و طبق آن باید بگرد رفتار

میکند مثبت شود . در این مورد مالک قبلی یا قائم مقام او اگر حقی داشته باشند فقط از طریق مواجه بداد گاههای مکزیک یا بوسیله نمایندگان سیاسی دولت امریکا می توانند آنرا تعقیب کنند - در همان روز که حکم فوق صادر شد حکم دیگری هم از همان داد گاه در مورد مشابه دیگری صادر گردید - در آن مورد نیز یک دولت انقلابی مکزیک مقداری سرب متعلق باتابع خود را ضبط نموده و بدیگری فروخته بود مالک قبلی بطرفیت منتقل الیه اقامه دعوا نمود ولی مانند مورد سابق در این معاکم هم دادخواه محکوم به بی حقی گردید نکته ای که در این مورد واجد اهمیت خاصی است این است که داد گاه ضمناً چنین رأی داد که حتماً اگر کالای مورد بحث بلامتعلق بیک نفر آمریکائی هم بود فرقی در رأی داد - گاه حاصل نمیشد و بعبارت دیگر مکزیک یا آمریکائی بودن مالک قبلی تأثیری در ماهیت امر ندارد عبارت این قسمت حکم از این قرار است : « این که کالای مورد بحث در موقع توقیف آن از طرف دولت مکزیک متعلق بیک نفر تبعه امریکا بوده است معقیم مکزیک نبوده تأثیری در حکم قانونی مطلب ندارد و آن حکم این است که عملی که از طرف یک دولت صاحب حاکمیت انجام گرفته است در داد گاه دولت دیگری قابل طرح و تغییر نیست » این اصل بتازگی در مورد دیگری هم تنفیذ گردیده باین معنی که دولت مکزیک قطعه زمینی را که بعلت تغییر مسیر یک رودخانه جزو خاک امریکا شده بود توقیف نمود و بر این اقدام دعوائی در داد گاههای امریکا طرح شد نتیجه رسیدگی بدعوی مزبور این بود که اصل زیر بار دیگر از طرف داد گاههای امریکا ببرد گردید طبق قوانین ممالک متحده امریکا هر عملی که بموجب قانون مکزیک مشروع باشد بایستی از طرف داد گاههای امریکائیز مشروع و نافذ تلقی گردد قوانین در کشور مکزیک بتصویب رسیده بود که مالکیت بعضی تأسیسات نفتی را از مالکین سابق متنزع و بشر کتهای مخصوصی منتقل نموده بود شر کتهای نامبرده نفت استخراجی را به یک شرکت آمریکائی فروختند مالک قبلی بطرفیت شرکت خریدار اقامه دعوا نمود ولی داد گاه باستناد احکام فوق رأی بی حقی صادر نمود بتایبه مراتب فوق اینطور نتیجه گرفته میشود که چنانچه دولت ایران طبق مقررات قوانین خود در حدود کشور خود نفت خود را مصادره کند حق مالکیت معتبر نیست باین نفت مزبور تحصیل نموده و میتواند بوسیله فروش حق مزبور را بتابع کننده منتقل سازد و چون احکام داد گاههای امریکا در این مورد کاملاً روشن است بطرف دفتر مشاوره حقوقی خود در حدود مالکیت معتبر نیست باین نفت مزبور تحصیل نموده و میتواند بوسیله فروش حق مزبور را بتابع کننده منتقل سازد و چون احکام داد گاههای امریکا در این مورد کاملاً روشن است بطرف دفتر مشاوره حقوقی بسیار بعید است که کسی در ممالک متحده امریکا دعوائی اقامه نموده و بخواهد مانع

اجرای برنامه اشتعاصی بشود که نفت ایران را داشته باشند و مثلا نفت ایران را در امریکا تصفیه نموده بمرسانند و دفتر مزبور چنین اظهار میکند که چنانچه کسی اقدام بصرح یا تقاضای توقیف بنماید بدون هیچ نمیتوان دعوی آورد کرد این یک سری هائی بود که در باره امریکا حضور آ عرض کردم و اگر وقت شد چند مورد هم خیلی اهمیت دارد خدمت عرض میکنم علاوه بر این مدار کی توسط نمایندگان گاههای دیگر از خارج فرستاده شده که بنده افتخار آنرا دارم که یکی از احکام آن داد گاهها را که بسیار مهم است اینجا حضور آقایان عرض میکنم

دولت مکزیک از هنگامی که صنعت خود را ملی نمود برای فروش فرآورده خود با چند شرکت وارد معامله شد در شرکت نفت مکزیک (اذا گویا) عقاب انگلیسی و قبلاً دارای امتیاز بوده در سه کشور هلند، بلژیک و فرانسه بیک سلسله اقدامات قضائی بمنظور توقیف معموله های نفت مورد معامله نمود در مزبور در داد گاههای روتردام و آنورس لوهاور مطرح و در هر سه داد گاه رأی علیه شرکت نفت و بر له دولت مکزیک صادر گردید بطور خلاصه مبنای حکم داد گاه این بود که قبول دعوی شرکت نفت آنگر بمنزله این خواهد بود که اعمال حاکمیت دولت مکزیک در داد گاههای ممالک دیگر مردود شناخته شود و حال آنکه داد هیچ کشوری نمیتواند عمل دولتی را استفاده از حق حاکمیت خود مورد تردید و انکار قرار دهد بنا بر این هر کس نسبت به تصمیم دولت مکزیک شکایت و اعتراض داشته باشد فقط می تواند بداد گاههای خود کشور مراجعه کند حالا سه مورد تصمیم خلاصه و چکید حضور آقایان میفرماید که ببنده در چه شرایط صادر شده است به داد گاه هلندی یک معموله کاواویل امتیاز مکزیک از طرف شرکت آلمانی کلر که از مکزیک بوسیله کشتی موسوم سان پیم حمل شده بود هنگام ورود به روتردام بتقاضای شرکت نفت آنگر توقیف شد بدمشکت کلر که در بدایت روتردام علیه شرکت نفت اقدام نموده منکر مالکیت شرکت مزبور خواهد رفع توقیف از معموله کاواویل گردید حکم داد گاه که در تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۲۶ صادر شد بطور خلاصه باین مضمون است

حق مالکیت شرکت کلر کونیورس و شرکت نفت ال ا گویا نتوانسته دعوی خود را ثابت کند در مارس ۱۹۲۸ دولت مکزیک صنعت نفت خود را ملی و مدتی در دست صاحبان امتیاز بود ولی و متعهد گردیده است که مراتب



بمیزانیکه بهما تعیین شود با قسطنطنیه طرف  
 مدت ده سال بپردازد شرکت ال اگویلا هم  
 بشمول همین ترتیب مبرکود این شرکت  
 بزبور مدعی است که عمل دولت مکزیک از  
 صادره تجاوز کرده و بصورت توقیف  
 برآمده است و دولت مکزیک بتمه خود  
 در باب پرداخت غرامت عمل نخواهد کرد  
 به همین دلیل دولت های امریکا و انگلستان  
 هاند نسبت با اقدام مکزیک اعتراض نموده اند  
 قابل ترتیب اثر نیست زیرا بنظر دادگاه  
 هر چند مأمور سیاسی کشوری می توانند  
 با دداشتی بدولت مستقل دیگری تسلیم وظیفی  
 آن بمنظور حمایت از منافع اتباع خود  
 تقاضای تجدید نظر در تصمیم متخذه از  
 طرف آن دولت بنمایند ولیکن این امر  
 تأثیری در جریان دادرسی از لحاظ قضائی  
 نمی تواند داشته باشد زیرا یک قاضی نمی  
 تواند حسن نیت و حق دولتی را که قانوناً  
 بر طبق اصل حاکمیت خود تصمیمی اتخاذ  
 نمود (ومثلاً اموالی را بتمه پرداخت غرامت  
 صادره کرده باشد) مورد تردید و انکار  
 قرار داده تصمیم مزبور را بلا اثر تلقی  
 کند.

**نایب رئیس** - آقای مهندس حسینی  
 وقت جنابعالی نزدیک با تمام است.

**مهندس حسینی** - بنده تقاضای  
 کنم اگر آقایان لازم می دانند چند دقیقه  
 بنده وقت بدهند.

**نایب رئیس** - چه قدر دیگر وقت می  
 خواهد؟

**مهندس حسینی** - ده دقیقه دیگر  
 مرحمت فرمائید.

**نایب رئیس** - آقایانیکه با ده دقیقه  
 اضافه صحبت آقای مهندس حسینی موافقت  
 بنام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب  
 شد.

**نایب رئیس** - بفرمائید

**مهندس حسینی** - شرکت ال اگویلا  
 می تواند به دادگاه های مکزیک مراجعه  
 نموده اگر اعتراضی بقانونیت تصمیم مزبور  
 داشته باشد در مقابل آن دادگاه اظهار  
 نماید زیرا قضات هلند ناچار بایستی قانونیت  
 این تصمیم را قبول کنند این شرکت  
 اگویلا تقاضا نموده است که پرونده به داد  
 گاه عادی احواله شود و شرکت مزبور  
 احتیارات طرف را تضمین نماید مورد قبول  
 دادگاه نیست زیرا هر چند این دعوا راجع به  
 موضوع کوچکی است ولیکن مورد اختلاف  
 جنبه وسیع تری پیدا خواهد کرد باین جهت  
 هر تصمیمی که در موارد کوچک گرفته شود در  
 اصل موضوع تأثیر خواهد داشت بنابراین  
 دادگاه برفع توقیف فوری از محموله  
 مورد بحث و پرداخت هزینه دادرسی و خسارات  
 از طرف شرکت آگویلا رای صادر می نماید  
 امی شرکت انگلیسی محکوم شد و خسارات  
 دادگاه محموله کشتی هم از توقیف درآمده  
 از لطف هم شبیه بشرایط ایران است تصمیم

دادگاه لوهاور در موقه سیکه اولین محموله نفت  
 مکزیک بپندر لوهاور وارد شد شرکت  
 اگویلا دست با اقدامات قضائی زده و موفق  
 به توقیف محموله مزبور گردید و حتی المقدور  
 اقدام نمود در اینکه رسیدگی بموضوع به  
 تأخیر افتد تا بلکه در نتیجه بی تکلیفی و عدم موفقیت  
 در فروش نفت دولت مکزیک دچار عسرت و  
 زحمت اقتصادی بشود ولیکن در تاریخ ژوئیه  
 ۱۹۲۹ یعنی هشت ماه بعد از توقیف محموله  
 دادگاه فرانسه رای خود را بنفع دولت  
 مکزیک و بر علیه شرکت نفت صادر نموده  
 دستور رفع توقیف از محموله عملی  
 گردید.

دادگاه فرانسه حق دولت مکزیک را  
 در ملی نمودن صنعت نفت تأیید و اظهارات  
 شرکت نفت را دایر باینکه محموله مورد  
 بحث مسروقه میباشد مردود تلقی نمود. اهمیت  
 مخصوص رای دادگاه لوهاور از این لحاظ  
 است که دعوی مطروحه در حقیقت بین  
 شرکت نفت ال اگویلا و دولت مکزیک نبود  
 بلکه بین شرکت نفت مزبور و بیست و دو  
 شرکت فرانسوی بود که با دولت مکزیک  
 معامله می نمودند و در مورد تمام آن شرکت  
 هاین رای اجرا شد.

تصمیم دادگاه آنورس در ماه ژوئن  
 ۱۹۲۸ یعنی سه ماه بعد از ملی شدن صنعت نفت  
 در مکزیک و شروع بهره برداری از منابع  
 نفتی بوسیله دولت یک محموله ۱۷۰۰ تن  
 بنزین که متعلق به شرکت فرانسوی بود  
 بوسیله یک کشتی سوئدی بپندر آنورس  
 حمل شد.

در تاریخ ۹ سپتامبر محموله مزبور  
 بتقاضای شرکت نفت ال اگویلا در بندر مزبور  
 توقیف شد.

بعداً شرکت های فرانسوی علیه شرکت نفت  
 اگویلا در دادگاه بدایت آنورس اقدام  
 دعوا نموده خواستار رفع توقیف شدند.  
 رای دادگاه بطور خلاصه باین مضمون صادر  
 شد: چون دعوی مالکیت شرکت آگویلا  
 به ثبوت نرسیده باید از محموله مورد بحث رفع  
 توقیف بعمل آید - اصولاً اختلافیکه بین  
 مکزیک و شرکت آگویلا موجود است  
 ناشی از تصمیمی است که دولت مکزیک  
 دایر بملی نمودن صنعت نفت خود اتخاذ  
 کرده و در تعقیب آن تصمیم دارائی شرکت  
 آگویلا از طرف دولت مکزیک بتمه به  
 پرداخت غرامت صادره گردیده است -  
 دولت مکزیک پس از خلع ید از صاحبان  
 امتیاز با وسائل خود شروع به بهره برداری  
 از منابع نفتی نموده و فرآورده های خود را  
 قانوناً باشخاص ثالث فروخته است - در کلبه  
 اقدامات مزبور دولت مکزیک استفاده از  
 حق حاکمیت خود نموده و چون قانونیت اقدامات  
 مزبور منکره است و بهیچوجه شناسائی آن  
 اقدامات مغلط به نظم عمومی کشور بلژیک  
 نیست و اصولاً باینگونه اختلافات طبق قوانین  
 بین المللی از حدود صلاحیت دادگاه های

بلژیک خارج است دادگاه حکم برفع توقیف  
 از محموله و پرداخت هزینه و خسارات از طرف  
 شرکت آگویلا صادر می نماید. آقایان این  
 وضعی بود که در چندین مورد عمل شد مثال  
 های دیگری بنده در این مطلب دارم که  
 وقت متأسفانه مقتضی نیست و فقط کلیاتش  
 را عرض میکنم در ممالک دیگری هم رای  
 صادر شده که شرایط این بوده دولتی را  
 که صادره کرده بود آن کشورها شناخته  
 بودند چیزی را که توقیف کرده بوده متعلق  
 به تبه آن مملکت بوده است آن تبه آن  
 مملکت در موقع صادره در آن کشوریکه  
 مال صادره شده نبوده یعنی غایب بوده جنس  
 آن توقیف شده و ضبط شده و بیک امریکائی  
 دیگر فروخته شده مثلاً از همان ملت بوده  
 جنس وارد آن کشور شده محاکم آن  
 کشور در آن دعوی بین دو نفر امریکائی  
 یادو کمیانی امریکائی رای بعدم صلاحیت  
 دادند زیرا همیشه استدلال این است که  
 هر دولتی در محیط اختیاراتش و فرمانروائی  
 خودش حق دارد که هر قانونی را بگذراند  
 و آن قانونی را که او میگذراند از نظر تمام  
 کشورهای دیگر محترم است البته اینرا هم  
 باید عرض کنم که در مکزیک دولت تصویب  
 نامه گذرانده بود و نفت را ملی کرده بود  
 در کره گذرانده بود «لو آ» نبود قانون نبود  
 با وجود اینکه مکره بود و اینها ایراد کردند  
 که این قانونی نیست تمام محاکم گفتند  
 این قانونی است یک مورد درام برای اینکه  
 جامع باشد و تمام مطالب را آقایان نمایندگان  
 محترم اطلاع داشته باشند عرض میکنم  
 و آن مورد این است که وقتی مکزیک مایملک  
 شرکتها را ملی کرد یک کشتی از آن  
 شرکتها در آبهای آمریکا بود دولت مکزیک  
 دستور داد که آن کشتی را توقیف کردند  
 یعنی گرفتند آوردند بر علیه این امر بعنوان  
 اینکه در آبهای آمریکا توقیف بعمل آمده  
 اقدام دعوا شد محاکم امریکا رای دادند که  
 این حالت هم قابل قضاوت نیست و دولت امریکا  
 چیزیکه متعلق بشخصیکه در داخل مملکت  
 بوده ملی کرده او نمی تواند در آبهای امریکا  
 مصون باشد مورد دیگری هم که عرض میکنم در  
 مورد حقانیت شاکی بوده است که اگر کسی  
 گفت باید بدانند که دلش چه بوده این است  
 که دولت مکزیک قبل از اینکه کره بگذراند  
 مقداری از اموال شرکتها را گرفت و فروخت و  
 توقیف کرد قبل از این که کره قبل از تصویب  
 نامه قبل از یک منبای قانونی صاحبان این  
 اموال تقاضای معا که نکردند نسبت باین  
 جنس که دولت مکزیک گرفته بود و فروخته  
 بود ولی دولت مکزیک در اینجا محکوم شد  
 استناد محکومیت دولت مکزیک این بود که  
 چون این ضبط مایملک و فروش آن قبل از آن  
 تاریخ ذکره یعنی تصویب نامه بوده بنابراین  
 این مال مال دولت مکزیک نبوده پس عمل  
 بیع و شری انجام نشده و چون انجام نشده آن  
 محموله ای که توقیف شده بود بآن شرکت

داده شده پس آقایان در تمام موارد این  
 وضعیت مجری است و بهیچوجه نمی توانند  
 خلاف آن عمل کنند و اگر در دادگاه عدل  
 آمدند این کار را کردند برای اینکه می  
 دانند در ممالک آزاد چنین چیزی ممکن  
 نیست. آنرا بردند در دادگاه عدل با حقه بازی  
 و نیرنگ و زمینه سازی قبلی آنرا محکوم  
 کردند و من یقین دارم که در محاکم بالاتر  
 آن حکم هم باطل خواهد شد (دکتر  
 سنجایی - آقای مهندس حسینی حکم دادگاه  
 عدل قبل در لندن نوشته شده بود و برای  
 دادگاه فرستاده شده بود) کاملاً صحیح  
 است و الا قضات انگلیس که بقول آقای پروفیسور  
 رولن نظر یک قاضی را که اسم خوبی  
 دارد یکی از استادان حقوقی قوانین انگلستان  
 است در موضوع ملی شدن صنعت نفت در  
 ایران مطالعه کرده در نظر پاتش مینویسد  
 که بر اساس قوانین انگلستان در هیچ جای  
 دنیا و بهیچوجه نمیتوان بر اساس قوانین  
 انگلستان اموالی را که یک دولتی مایملک  
 خودش می داند آنرا محکوم کرد که این مال  
 این نیست قوانین انگلستان یک چنین چیزی  
 را اجازه نمی دهد در بعضی رای ها که در  
 محاکم فرانسه صادر شده موضوع مقررات  
 و قوانین بین الملل را مورد رعایت و توجه  
 قرار داده اند و گفته اند شرکت هایی که جنبه  
 بین المللی داشته باشند و اموالی در خارج  
 داشته باشند نمیشود آن اموال خارج را  
 ملی کرد این حرف هم صحیح است ایران  
 هم یک چنین اشتباهی نکرده است قانون  
 ایران هم آنچه شرکت نفت در داخل خاک  
 ایران داشته ملی کرده آنچه که در خارج  
 دارد مربوط بما نیست و ما هم ملی نکردیم  
 و عمل غلطی را هم انجام نداده ایم بنا بر  
 این تمام این عملیاتیکه در عدل شده غلط  
 است و من یقین دارم کشتی میریلا مسلماً  
 سالم بژن ایتالیا خواهد رسید و در محاکم  
 هم اگر دعواتی بشود شرکت سابق نفت  
 محکوم خواهد شد عده زیادی هم تلگراف  
 بوسیله آقای پارسا مبنی بر تشکر از نمایندگان  
 از خوی سه فقره از یلدشت دو فقره ۱۲۰ تا  
 تلگراف هم از سه شنبه تا چهارشنبه توسط  
 آقای دکتر سنجایی رسیده و همینطور چندین  
 طوماریکی از طرف اهالی سفر که یک قسمت  
 از آن با خون امضاء شده یک طوماری هم  
 از پیشه وران آبادان تمام مبنی بر پیشینانی  
 از دولت و تشکر از آقایان نمایندگان ۲۷۰  
 تلگراف توسط آقای دکتر شاپکان مبنی  
 بر اظهار تشکر از آقایان نمایندگان و همچنین  
 اعطای اختیارات یک طومار حال اهالی  
 طهران اینها را هم تقدیم مقام ریاست می  
 کنم علاوه یک طومار هم بوسیله آقای  
 مهندس زیر کرده از خیابان ری دایر  
 پیشینانی از دولت و تشکر از نمایندگان که  
 اختیارات داده اند و بنده تقدیم میکنم  
**نایب رئیس** - آقای حاتمی کرده  
 دقیقه از وقت باقی مانده است جنابعالی



می توانید استفاده کنید تشریف بیاورید  
**حائری زاده** - بنده راجع باین تلگرافها و طولومارها و این حرفها يك وقت رسمی میخواهم صحبت کنم حالا وقت نیست يك وقتی میگیرم و صحبت میکنم چیزی که من میخواستم حالا صحبت بکنم موضوع مهندس عباس زاهدی است که يك کافندی بمن رسیده بود که در یکی از جلسات مجلس قرائت کردم که با امریکا مکاتبه ای شده بود راجع بقسمت قانون معادن ، من استدلالی کردم که قانونگذاری وقتی در اطلاق های در بسته باشد ممکن است يك جریانات نامطلوبی برای مملکت ایجاد شود و باید تصویب قانون در مجلس شورای ملی باشد و در اطلاق های در بسته و اختیار شخص نباشد پس از اینکه من آن کاغذ را خواندم در صورتی که آقای مهندس عباس زاهدی را نمیشناختم بعد هر يك از دوستانی که ایشان را می شناختند دیدم در مجلس که تعریف میکردند که یکی از فضایل ما است خیلی زحمت کشیده است آدم فاضلی است اهل تتبع است در قسمت نفت و قسمت معادن زحمتی کشیده ، آقای مهندس رضوی سوابقی نسبت بایشان ذکر کردند ، آقای مهندس زیرک زاده و آقای مهندس حسینی هم ایشان را میشناختند و من دیدم که ممکن است ایشان اظهارات من را برای خودش يك لطمه روحی فرض بکنند در صورتی که من هیچ سوء قصدی نسبت باو نداشتم و هیچ نمیخواستم که بوسیله صحبت های من يك موری رنجیده خاطر بشود ، من در مطالب اصولی خیلی سخت و بیماطفه هستم ولی در موضوعات خصوصی و شخصی هیچوقت حاضر نیستم صدمه ای از ناحیه اظهارات من بکسی وارد شود و من آنچه که از ایشان شنیدم غیر از خوبی چیزی نشنیدم و بدیهی است يك آدم فاضلی که امری باو رجوع میشود اطلاعاتی از ممالک مختلف میخواهد و توضیحی که بمن میداد میگفت از ممالک مختلف از هندوستان و پاکستان و ترکیه هر نقطه ای که ما قوانین آنها را لازم داشتیم از آنها اطلاعات خواهیم گرفتیم ، از امریکاهم خواستیم این شخصی که من بهش مراجعه کرده بودم یکی از دوستان من رفته بود بآن اداره و توصیه کرده بود که قوانین مربوط باین موضوعات را بمن بدهید که میخواهم برایش بفرستم و چون من جزو دسته ای بودم که مرا فرستاده بودند برای معادن این شخص من را میشناخت يك همچو مکاتبه ای شده است و برای من هم فرستاده و ما هم آنرا مورد عمل نگذاشتیم و اثری هم بآن مکاتبه ای که شده بود نداریم و شاهد امر هم قانونی است که فملا در دسترس اجتماع هست (صحیح است) من برای این که روح من راحت باشد و تصور نکنید که من سوء نیتی نسبت باو داشتم این مطلب را خواستم اطلاع آقایان برسانم و شرمی را

که ایشان از جریان عمل برای من نوشته اند  
 تقدیم مقام ریاست میکنم  
**(۳) تقدیم دو فقره لایحه بوسیله آقای کاظمی نایب نخست وزیر و وزیر دارائی**  
**نایب رئیس** - وارد دستور میشود آقای کاظمی فرمایشی داشتید بفرمائید  
**وزیر دارائی** - در اردیبهشت سال ۱۳۲۸ در دوره یازدهم لایحه ای از طرف دولت وقت تقدیم مجلس شورای ملی شده بود راجع به منابع طبیعی زیر دریاها و کف دریاها (حائری زاده - آن که تصویب شد) جریان این لایحه در کمیسیونها طول کشیده بود و تا بحال نتیجه ای حاصل نشده ، در این ضمن دو تغییر کوچک در آن لایحه بنظر رسید این است که لایحه جدیدی تقدیم میشود و تقاضا میشود که زودتر مجلس تکلیفش را معین کند ، مطالب دیگر این است که بودجه کل کشور مورد مطالعه و مذاقه آقایان نمایندگان محترم عضو کمیسیون بودجه است و امیدوارم که زودتر راپرتش بمجلس شورای ملی تقدیم بشود ، در این ضمن چون دیماه منقضی شده و باید حقوقها پرداخت شود لایحه ای بعنوان يك دوازدهم تقدیم میشود

**ناظر زاده** - با چند فوریت است؟  
**وزیر دارائی** - فوریت نمیشود  
**(۴) بقیه مذاکره در لایحه فوری اجازه تأسیس شرکت واحد اتوبوس رانی عمومی**

**نایب رئیس** - لایحه اتوبوس رانی را مطرح میکنیم آقای معتمد دماوندی شما بعنوان موافق مشروط نام نوشته اید

**معتمد دماوندی** - بنده عرضی ندارم  
**نایب رئیس** - آقای اخگر شما بعنوان موافق صحبت میفرمائید در لایحه اتوبوس رانی؟  
**اخرگر** - بعنوان مخالف اسم نوشته بودم ، بعد مطرح جدیدی نوشته شد که مخالفتم را پس گرفتم

**نایب رئیس** - جنابعالی اسمتان را هم درستون مخالف وهم درستون موافق نوشته بودید  
**اخرگر** - با اولی موافق بودم و با دومی مخالف

**فریهاد** - بنده مخالفم  
**نایب رئیس** - اجازه بفرمائید ببینم که کدامیک از آقایان موافقت آقای مهندس زیرک زاده بعنوان موافق اسم نوشته بودند که تشریف ندارند  
**کریمی** - اجازه میدهید بنده بعنوان موافق مشروط صحبت کنم

**نایب رئیس** - هیچک از آقایان بنام موافق تقاضای صحبت ندارند؟  
**مهندس حسینی** - بنده موافق با لایحه دولت هستم  
**نایب رئیس** - بفرمائید آقای مهندس حسینی

**فریهاد** - مطالبی هست که باید عرض شود  
**نایب رئیس** - آقای قنات آبادی در جلسه اسبق بعنوان مخالف صحبت کرده بودند فعلا نوبت صحبت موافق است نوبت جنابعالی هم محفوظ است

**مهندس حسینی** - آقایان توجه بفرمائید که وضع اتوبوس رانی را هیچکدام اختلاف نداریم که بسیار بدیاست و از اینکه باید شرکت تشکیل شود و یا شرکتها هیچ کدام با هم اختلاف ندارند تمام معتمدند که شرکت لازم است بعضی چند شرکت و بعضی يك شرکت ، موضوع چند شرکت يك عیب اساسی دارد این عیب اساسی این است که اولاً بعضی از خطوط مشتری تنظیم ساعات کارش بر مراتب پیش از سایر خطوط است اگر بنا شود شرکتها مختلف درست بشود بطور مستقیم بعضی شرکتها در يك وضعیت اولویت خاص قرار میگیرند و بعضی شرکتها در يك وضعیت سخت تر و مشکلتر و مطلبی که مهمتر از این است این نکته است که يك شهرداری يك عمده خطوط اتوبوس رانی معین نمیتواند باشد هر روز باید خطوط جدید ایجاد کرد ، خطوط جدید ، سومش این است که ضرر دارد و آنوقت تشکیل خطو جدید در حقیقت دچار اشکالات عدیده میشود ، نظم و ترتیب خطوط هم دچار اشکالات میشود ، شرکتها متعدد دارای عیب دیگری است و آن این است آقایان فرس بفرمائید خطی که باید از بازار برود بفلان نقطه شهر ، خطوطیکه بی بازار ختم می شوند در ساعات حوالی ظهر بعلت اینکه بسیاری از مردم برای خرید بیازار رفته اند و مراجعت میکنند خیلی جمعیت دارد و عمده ای دیگر از خطوط هستند که تقریباً در آنساعت مشتری ندارد و وقتیکه شرکتها از هم جدا باشند تعداد اتوبوسهاییکه باید در خدمت يك خط مهیا باشد برای اینکه رفع احتیاجات بکند بایستی بر مراتب بیشتر باشد ولی وقتی تمام این دستگاه يك شرکت باشد که يك ساعت این خط زیاد تر اتوبوس میخواهد و یکساعت آن خط اینها را زیاد و کم میکند و ضرر نمیکند در حالیکه اگر غیر از این باشد خطوطی استفاده و خطوطی ضرر میکند تمام اینها وقتی تأمین است که در يك شرکت باشد که بهترین وجه و بهترین ترتیب اداره شود و مخصوصاً تبعیض بین شرکتها مختلف از حیث کارمندان ، کارگران ، مزایا و غیره اصلاً بوجود نمی آید و پیش آمد نمیکند و همه متحد الشکل و مرتب خواهند بود ، بنا بر این اگر شرکت واحد درست شود از

نظر مملکت يك صرفه خوبی فوق العاده شود ، شاید مطالعه شده و جناب آقای وزیر کشور هم بکرات در کمیسیونها فرموده که تعداد اتوبوسهاییکه حالا هست شان ۱۲۰۰ اتوبوس باشد و اگر بصورت شرکت واحد با توجه باین نکاتی که بنده عرض کردم در بیاید تعداد اتوبوسها چند صد عدد کم خواهد شد ، دوهین اینکه تمام کسانی که اتوبوس احتیاج دارند در تمام ساعات به اندازه احتیاج خودشان اتوبوس خواهند داشت و این بدبختی که اشخاصیکه گرفتار اتوبوس سوار شدن هستند و بنده هم افتخار دارم که یکی از آنها باشم می بینم ، این زحمتیکه برای مردم حاصل میشود دیگر حاصل نخواهد شد ، بنا بر این آقایان شرکت واحد اتوبوس رانی در تمام این نظریات لازم و ضروری است ، اما در اساس افکاریکه در این لایحه وجود دارد بنده حضور آقایان عرض میکنم آن نکات این است که در هر شهری شهرداری باید خیابانها را نگاهدارد ، منظم کند ، اسفالت کند ، پناهگاه بسازد و محل عبور از خیابانها را برای اجتناب از خطرات بسازد و وقتی این کارها عملی شد بعداً در طهران در چهارراهها و محلهای بزرگ پاساژهای زیر زمینی چه برای اتوبوسها و چه برای افراد و پیاده روها بسازد که اشخاص بتوانند با سلامت رفت و آمد کنند

**امامی اهری** - آقای مهندس حسینی روی خیابانها را درست کنند ما متشکریم

**مهندس حسینی** - خواهش میکنم جناب آقای امامی اهری اجازه بفرمائید این فرمایش جنابعالی کاملاً درست است اگر بنده مدافع بدیها بودم کاملاً نظر شما درست بود ولی بنده مدافع بدیها نبوده و بنسبت خواهان خوبی هستم و همین دلیل هم عرض میکنم چرا شهر اینطور است ، یکغوره وجود بی لطفی برای خاطر این است قسمت همش مدیون این است که شهرداری دارای عواید کافی نیست که آنچنان که شایسته است عمل کند یکی از راهها برای رفع عیب همین است که جناب عالی یادآوری فرمودید و بنده متشکرم همین موضوع لایحه اتوبوس رانی است که دولت پیش بینی کرد در این جادولت میگوید تمام این وسایلی شهرداری تهیه کند پس باید خرج شهرداری پس وقتی اتوبوسی دارد روی زمین می رود جاده خوب در سرعت اتوبوس و حرارت اتوبوس و خوبی آن مؤثر است پس شهرداری از این بطلب استفاده لازم را برای خاطر اینکه خطوطی را که جنابعالی شایسته آن باشد از این محل تأمین نماید باین ترتیب در طرحی که دولت پیش کرده این قسمت را مورد نظر قرار دهد است که شهرداری را سهم میداند در اتوبوس و این را بصورت شرکت واحد درست کند



درصد البته کم تعیین کرده اند ارفاق کرده اند ولی خوب ارفاق برادران دیگر اشکالی ندارد وقتی يك شركتي تاسيس ميشود كه بيست درصد آن را شهرداری باشد و هشتاد درصد آن مال اشخاص نتیجه این است كه اكثریت مال آن است این عیب باید مرتفع بشود . تمام این شركت های بزرگ در این است كه اشخاص غير مسئول از نظر منافع يك شركت و گاهی از اوقات از يك راهسای خاص در نظر دارند يك كارها می بکنند ، بی ترتیبی ایجاد بکنند . تعطیل بکنند كه كار جلو نرود برای اینکه استفاده در شلوغی است . چون فكر شخص در پول بیشتر پیدا كردن است و فكر شهرداری در آزادی و راحت بودن مردم بنا بر این بایستی این دورتارا با هم تلفیق كرد و راه تلفیق را دولت اینطور فكر کرده كه با وجود این كه شهرداری دارای بیست درصد سهام است اكثریت آراء در مجمعهای عمومی متعلق باین سهام است یعنی در واقع سهام دولت سهامی است كه آراء بیشتر دارد و سهام مردم سهامی است كه منافع بیشتر دارد و منافع بیشتر را مردم میبرند این نظر هم باین ترتیب تأمین شده و بنده البته در طرخی كه اول خودم دادم و حضور آقایان در كمیسیونها صحبت كردم این بود كه در حدود بیست و يك درصد سهام بدهند بشهرداری ها بعنوان سهام ممتاز با حق رأی ۷۹ درصد ب مردم بدهند با حق يك رأی چون پول بیشتری میدهند و در حقیقت سهام شهرداری سهام ممتاز است يك منافی هم برای آنها در نظر گرفته شده است و چون يك كمده اشخاصی هستند كه میگویند آقای پول بیشتر داریم و آراء دست شما باشد شهرداری میگوید من هفت و هشت درصد منافع را برای شما تأمین میکنم البته این مطالب را بنیدانم بچه ترتیبی توسط دولت عوض شده و خیال میکنم می خواهند در آئين نامه بکنند ولی ملاحظه بفرمائید بسیار منطقی است این پیشنهاد كه بیست درصد در دست شهرداری باشد هشتاد درصد در دست مردم كه پول بیشتر هم میگذرانند ، مخصوصاً این كه شهرداری توانائی خرید سهام با اندازه پنجاه و يك درصد در هیچيك از شهرها نخواهد داشت بنابراین طبق این قانون شركت واحد تشكيل شده اكثریت پول مال مردم و اكثریت آراء از نظر اداره در دست دولت یعنی شهرداری ، دولت نه بخشید من كلیه دولت را اسم مردم در دست شهرداری كه در شهرداری ها هم خوشبختانه دارند نمایندگان مردم میروند این بهترین اقدام و برجسته ترین اقدامی است كه بنظر من از نقطه نظر مظاهر زندگانی شهری توسط این دولت دارد انجام می شود بنا بر این بنده با اجمال خصوصاً از آقایان تقاضا می كنم كه این لایحه را مورد توجه قرار دهند و اگر يك پیشنهادی بعنوان اصلاح

می فرمایند خدای نکرده این عوامل اصلی این قانون را موجب از بین رفتنش نشوند البته آقایان پیشنهاد میدهند اميدوارم این طرح هم در اثر پیشنهادات آقایان بهتر بشود و انوقت از این جا بیرون برود ولی توجه بفرمائید با این اصول و نکاتی كه حضور آقایان عرض كردم مبیانته نداشته باشد .

**نایب رئیس - آقای نریمان بعنوان مخالف صحبت بفرمائید ، بفرمائید**

**نریمان -** در اینکه وضع فعلی اتوبوسرانی شهر تهران مناسب با شئون پایتخت دولت شاهنشاهی نیست کسی حرفی ندارد (اقبال - همه شهرستانها) و اما پیشنهادی كه دولت كرده است ببینیم آیا منظور تأمین می شود و وضع اتوبوسرانی با تصویب پیشنهاد دولت تأمین خواهد شد یا نه عرض كنم دولت در مقدمه لایحه خود برای توجیه ماده واحده مبنی بر واكنداری اتوبوس رانی تهران يك شركت واحد مینویسد « در نظر گرفته شده است . اتوبوسرانی شهر تهران و نواحی بوسیله شهرداری تهران يك شركت واحد ایرانی واكندار شود تا بدینوسیله از بی ترتیبی هایی كه بر اثر عدم رعایت منافع عمومی حاصل می شود جلوگیری بعمل آید » این مطلبی حصه دولت تشخیص داده و تمام بی ترتیبی ها و معایب موجود در وضع فعلی را ناشی از عدم رعایت منافع عمومی تشخیص داده كاملاً بجا و صحیح است و بنده از این استدلال دولت اتخاذ سند میکنم حالا ببینیم چرا در وضع حاضر منافع عمومی رعایت نمیشود و این معایب وجود دارد علت عدم رعایت منافع عمومی در حال حاضر این است كه مالكین اتوبوس كه صاحب منافع خصوصی هستند برای ملاحظه منافع شخصی خود مجبورند منافع عمومی را زیر پا بگذارند و بآن توجهی نکنند نفع مالك اتوبوس این است كه با حداقل خرج حداكثر منافع را ببرد نتیجه چه میشود نتیجه این میشود كه منافع عمومی رعایت نشود مالك اتوبوس بمنظور حفظ صرفه خود میخواهد در خطوط پر جمعیت و كم مسافت اتوبوسرانی كند و در ساعاتيكه مسافر زیاد است و ازدحام مسافر است هر قدر بتواند بیشتر سوار بکند و با هر عجله كه میشود مسافری را بمقتصد برساند ، مایل است در ساعاتيكه مسافر كم است برای اینکه خرج نكنند در ایستگاه مبداء و مقصد و بین راه مسافری را معطل بکند و سرعت نشان ندهد ، مالك اتوبوس كاری ندارد كه راننده و كمك راننده و كاركنان اتوبوس با مردم چگونه رفتار میکنند او فقط انتظار دارد كه در آخر وقت پول کافی باو برساند و اگر نرسانند بخدمت این اشخاص فوراً خاتمه میدهد ، مالك اتوبوس كاری ندارد كه راننده اتوبوس از ساعت

۵ صبح تا ساعت ۱۲ یا ۱۱ بعد از ظهر باید در این خیابانهای خراب و پر بنده و هزاران دست انداز اتوبوسرانی كند كه روزی هجده ساعت پشت رل نشسته و در این اوضاع واحوال و در گرما و سرما زحمت میکشد و اگر بخواهد در ظهر يك لقمه نانی بخورد باید يك نفر را از جیب خویش باینكار بگمارد و بجای خودش بگذارد با این ترتیب چه انتظاری دارید كه این افراد با مردم خوش رفتاری كنند و رعایت انتظامات را هم بكنند ، از كاركنان اتوبوس كه اگر در آخر وقت دخل کافی بمالك نرسانند فوراً بخدمتشان خاتمه داده میشود و نا نشان قطع میشود نمیتوان انتظار حفظ منافع عمومی را داشت ، جناب آقای وزیر كشور بنده نمیدانم تبدیل این مالك فردی اتوبوس يك شركت واحد چه معجزه ای خواهد كرد و چگونه این مالك صاحب نفع شخصی و منافع خصوصی با این تبدیل يكباره منافع شخصی خودش را زیر پا خواهد گذاشت برای تأمین منافع عمومی آیا هیئت مدیره شركت واحد اتوبوسرانی ماهیتش با يك صاحب اتوبوس فردی فرق میکند از لحاظ اینکه صاحب منافع خصوصی نیست ، خیر ، همان منافع خصوصی را كه مالك فردی اتوبوس دارد شركت واحد اتوبوسرانی خواهد داشت ، اگر شما از مالك فردی نمی توانید انتظار داشته باشید كه منافع عمومی را رعایت كند و حفظ بنماید از شركت واحد نمیتوانید انتظار چیزی بچینید ای را داشته باشید اگر تنها تشكيل شركت واحد التیام دهنده بین منافع عمومی و خصوصی بود ، چندین نفر مسافرین هواپیما بوسیله هواپیماهای شركت واحد هواپیمائی ایران تلف نمیشدند و دولت امروز مجبور نمیشد كه پرواز این هواپیماها را متوقف كند و اگر تنها تشكيل شركت واحد میتواندست منافع عمومی را تأمین كند امروز مردم ایران از نعمت تلفن محروم نمی ماندند و دولت اجباری به ملی كردن تلفن پیدا نمیکرد ، من در شكفتم همان وزیريكه پایه لغو امتیاز تلفن را بنا گذاشت و انحلال شركت تلفن را باعث شد ، امروز میخواهد شركت واحد اتوبوسرانی را پی ریزی كند در صورتيكه بنظر بنده با واكنداری حق انحصاری بدون مدت و بلاعوض اتوبوسرانی شهر تهران و سایر شهرستانها بشركت واحد منظور تأمین نخواهد شد ، نه فقط فعلی ، مشكلات دیگری هم افزوده خواهد شد ، امروز اگر اداره كل شهر بانی میتواند با توقیف تابلوی يك اتوبوس انتظامات را الزامی كند فردا با يك شركت واحدی كه مجهز بامتیاز انحصاری است و دارای سرمایه سرشار و عایدات هنگفت سالیانه است روبرو خواهد بود ، امروز اگر صاحبان جزء اتوبوس صاحب

يك دانك و دو دانك میتوانند منافع خودشان را محفوظ بدارند فردا با تشكيل يك شركت واحد اتوبوسرانی و افتادن زمام امور بدست يك كمده مالكین عمده منافع مالكین جزء محفوظ نخواهد بود . اصولاً از لحاظ اقتصادی دادن انحصار و بهره برداری از يكي از اموريكه با زندگي روزمره مردم سروكار دارد صحیح نیست و اگر طبیعت خاص اتوبوسرانی یا بعضی امور دیگر مثل برق و تراموای و تلفن اینجاب كند كه انحصار داده شود ، این انحصار باید در دست دستگاههای عمومی كه رعایت منافع عموم را میکنند باشد و لاغیر ، اینست كه دادن انحصار بدون مدت و بلاعوض اتوبوسرانی شهر به يك شركت واحد ، برخلاف اصول اقتصادی و برخلاف منظوری است كه دولت در مقدمه لایحه بیان کرده است و باینجهت است كه بنده با آن مخالفم و يك رأی هم پیشنهاد كردم كه در موقع طرح لایحه عرض خواهم كرد و در پایان عرض می كنم كه وقتی ما شركت تلفن را ملی می كنیم اتوبوسرانی ، بعبیده شخص بنده ، نه فقط در تهران بلكه در تمامی خطوط بین شهرها هم باید ملی شود ، زیرا اگر آزادی كه در شهر هستند در يك مسافتی كم منافعشان محفوظ نیست آنها می توانند در هر جا كه هستند پیاده شوند اما يك مسافر بدبختی كه سوار اتوبوس می شود در تمام طول راه سرنوشتش با راننده اتوبوس و كاركنان اتوبوس است ، برای آنها هم باید يك فكري كرد . يك طوماری است كه تقدیم جناب آقای مهندس رضوی شده است مبنی بر پشتیبانی و برای تغییر اوضاع ولی البته با اصلاح نسبت به پیشنهاد دولت و اینجانب این طومار را با این شرط كه گفته اند تقدیم مقام ریاست می كنم .

**نایب رئیس -** پیشنهاد كفايت مذاكرات رسیده ، هنوز يك نفر از آقایان بعنوان موافق می تواند صحبت كند آقای نبوی اجازه خواسته بودید؟ (نبوی - در كفايت مذاكرات عرض می كنم) پیشنهاد كفايت مذاكرات قرائت می شود (بشرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می كنم پس از بیانات يك موافق و يك مخالف در ماده واحده مربوط به شركت اتوبوسرانی رأی كفايت مذاكرات گرفته شود ناظرزاده

**نایب رئیس -** آقای ناظرزاده

**نایب رئیس -** آقای کریمی

با آقای ناظرزاده توضیح نمودن را بدهند .  
**ناظرزاده -** این ماده واحده كه راجع ب اتوبوسرانی مطرح است در واقع يك ماده کلی است و اصل آن این نامه است كه برای اجرای این ماده واحده از طرف وزارت كشور باین تنظیم شود



بطوریکه آقایان محترم استحضار دارند در جلسه خصوصی جناب آقای وزیر کشور قسمتی از مواد آئین نامه مربوط باجرای ماده واحده را با اطلاع آقایان نمایندگان مجلس رسانیدند، در این آئین نامه ای که تهیه شده دیده شد که اولاً وزارت کشور و شهرداری تهران تمهید کرده اند که کسانی را که امروز صاحبان وسائط نقلیه هستند از کسب و کار خود محروم نکنند بعلاوه راجع بکارگزاران اتوبوسرانی که هم کارگرانی زحمتکش و دادای کار پرمشقتی هستند فکری شده که از لحاظ تأمین زندگیشان کاملاً مورد توجه است بنا بر این چون اصل آن آئین نامه است و تمام آقایان هم تصدیق دارند که باید وضع اتوبوسرانی شهر اصلاح شود و در عین حال صاحبان اتوبوسهای فعلی نیز از کسب و کار خود محروم نمانند بنا بر این بنده پیشنهاد کفایت مذاکرات داده ام که زودتر تکلیف این کار معلوم شود و بسته بنظر مجلس است

**نایب رئیس - آقای کریمی**

**کریمی -** بنده قبل از اینکه وارد موضوع اتوبوسرانی بشوم از مقام ریاست کسب اجازه کردم که یک دقیقه در موضوع دیگری مطلبی را بعرض آقایان برسانم با کمال تأسفیک نفر از دانشمندان بزرگ ایران بنام آقای حیدرقلی خان قزلباش معروف بسردار کابلی که از دانشمندان بزرگ و متبحر در ریاضیات و مخصوصاً در علم هیأت بوده است و از مفاخر فعلی کرمانشاه محسوب شده و ایشان را (اقبال-ایران) شاید از مفاخر دنیا بشود حساب کرد مردی است که در فقه و اصول دانشمند بوده است و در علم ریاضی و هیأت متبحر بوده است در آکادمی انگلستان و مصر و سوریه شخصیت ایشان مورد تصدیق قرار گرفته است دارای پیش از سی جلد تألیفاتست و تصنیفات زیادی بیاد کار از این شخصیت بزرگ باقیمانده است بنده فقدان این شخصیت بزرگ را با آقایان علناً مخصوصاً تسلیم عرض می کنم و از خداوند متعال مسئلت میکنم که روح پرفخوح این فقید سعید را با ائمه اطهار معشور بگرداند و اماراجع بمخالفت بنده با کفایت مذاکرات از اینجهت است جناب آقای وزیر کشور یک لایحه ای بمجلس شورای ملی تقدیم کردند بعد در باب این لایحه آقایان اطلاع دارند در جلسه خصوصی صحبت شد بنده عضو کمیسیون کشور هستم از رفقای پارلمانی خودمان در این باب نظر خواستم آقای مهندس حسینی و سایر رفقا با بنده کمک فکری کردند و یک طرحی تهیه شد این طرح را در کمیسیون کشور بعرض همکاران محترم رساندم و مورد تصویب و تأیید آقایان قرار گرفت و جناب آقای وزیر کشور هم شخصاً با این طرح موافقت کردند و از لحاظ تشریفات پارلمانی قرار شد که بنده بمضای یک هفته برسانم

و بعنوان پیشنهاد تقدیم مجلس شورای ملی بکنم تا در موقع خودش که مطرح می شود آقایان رای بدهند علت مخالفت این نکته بود که اگر آقایان باین نکته توجه نمی داشتند ممکن بود به پیشنهاد اولیه آقای نریمان مثلاً رای موافق داده باشند و حال آنکه آن پیشنهادی که مورد تصویب وزیر کشور و دولت قرار گرفته است آن پیشنهاد نبود مطلب دیگری که خواستم عرض کنم اینست که آقای نریمان در پیشنهادشان صدی ۵۱ را برای شهرداری گذاشتند

**نایب رئیس - در کفایت مذاکرات صحبت کنید**

**کریمی -** از اینجهت بنده خواستم عرض کنم که آقایان سابقه داشته باشند مطالب دیگر را در موقع خودش عرض می کنم

**نایب رئیس - آقای وزیر کشور**

فرمایشی دارید؟

**وزیر کشور - اگر مقتضی بدانید عرضی دارم**

**نایب رئیس - بفرمائید**

**وزیر کشور (دکتر صدیقی) خاطر مبارک**

آقایان محترم مسبوق است که در حدود ۳۰ سال است که شهر تهران دارای اتوبوس است و کار اتوبوسرانی دایر است در ظرف این ۳۰ سال تحولات مختلف در امور اتوبوسرانی حاصل شده است ولی از این تحولات و تطورات بدبختانه نتیجه مطلوب که تأمین این امر و انتظام کار اتوبوسرانی باشد حاصل نشده است امر اتوبوسرانی از حیث پاکیزگی و شرایط فنی و نرخ کرایه مناسب با طول خط سیر و تربیت و اخلاق و سلوک با مسافر و نظم و ترتیب در حرکت و برنامه حرکت و توقف در ایستگاهها و میزان عده مسافرین و وسایط کار و سرعت سیر و رعایت مقررات رسانندگی و انتظامی و اجرای قانون کار و بیمه کارگران و مسافرین و اشخاص ثالث و مواضع کار ازها شرایط فنی آنها مناسب با حوائج فعلی نیست بعضی مالکین عده اتوبوسها از وضع خود سوء استفاده میکنند و بنفع عموم تا کنون اقدامات مقتضی بعمل نیامده اغلب خرده مالکین محرومند، اعتصابات متوالی در راهها صورت میگیرد زود خورد میان کارکنان و مالکین بر سر منافع بعضی خطوط و رقابت شدید و مضر در میان آنها شایع و جاری است بمالکین عده و جزئی به نسبت متساوی نفع نمی رسد در سال گذشته آمار شهرانی نشان می دهد که بر اثر عدم انتظام امر اتوبوسرانی ۲۷۰۰ تن مجروح شده اند و صدده دیده اند و در حدود ۱۸۰۰ تن تلف شده اند این اسباب و علل موجب شده که دولت در صدد برآمد که باین امر مهم اجتماعی انتظامی بدهد باین کار سروصوتی پیشدو برای تأمین مقصود این لایحه تقدیم مجلس مقدس

ملی شد برای اجرای آن و اختیاراتیکه برای تأسیس شرکت لازم است و نحوه نظارت شهرداری در شرکت مزبور مقرر شد که منتهی در ظرف یک ماه آئین نامه ای تدوین بشود

مادر نظر داریم که شرکت را بنوعی تشکیل دهیم که مصالح مذکور رعایت شود پس از مذاکراتی که در این مقام مقدس و در کمیسیون مشورتی و جلسه های خصوصی بعرض آمد و استفاده ای که از آراء صاحب و مدلل آقایان نمایندگان بنده کردم باین نتیجه رسیدیم که می توان طرحی تهیه کرد و آنچه را یعنی بعضی از مطالب را که بنده در نظر داشتم در آئین نامه مذکور بکنجانبیم آن مطالب را اصلح آن بنظر رسید که در متن لایحه با طرح بکنجانبیم چون نظر دولت همواره این بوده است که از آراء صاحب و نجارب آقایان نمایندگان محترم استفاده کند در مورد اتوبوسرانی شهری در جلسه خصوصی و کمیسیون مشورتی که بنا بقضای بنده تشکیل گردید اظهار نظرهای مفید شد که اصول آن فعلاً بصورت طرحیکه جناب آقای کریمی نمایندند محترم تقدیم کرده اند مورد قبول دولت است از آقایان محترم تقاضا میکنم بذل عنایتی بفرمائید و زودتر لایحه دولت یا این طرح را که مورد قبول دولت است چون در هر دو صورت مفاد آن یکی است منتهی در این طرح بعضی قسمتها جزو اصل قرار گرفته است و در لایحه ما آن امور مهم در نظر بود که در آئین نامه بر قرار شود بهر صورت یا لایحه دولت را اساس بحث قرار بدهند و یا طرح جناب آقای کریمی که مورد قبول دولت است مورد مذاکره و مشورت قرار گیرد و باین امر مهم اجتماعی صورت مطلوب و منظم تری داده شود که پیش از این اتوبوسرانی این شهر با افسوس وضع ناخوشوار و نا مطلوب باقی نمایند البته چه در آئین نامه ای که بعداً تهیه خواهد شد چه در لایحه ما وجه در این طرح بهر صورت نظر دولت اینست که کسانی که حقوق ثابتی در این کار دارند آن حقوق محفوظ بمانند و رعایت احوال عامه مردم بشود یعنی ساکنین این شهر و ساکنین شهرستانها که قریب ۳۰ شهر میتوان شمرد که بیش از سی هزار تن سکنه دارند و دولت وقتی لایحه تهیه میکند البته باید مصالح و منافع و احوال آنها را هم مرعی و ملحوظ بدارد بهر صورت دولت و هم بطور آقایان نمایندگان محترم در این امر یک نظر بیشتر ندارند و آن این است که این امر همان طوریکه بعرض رسید بصورت منظم و مطلوب در آید و بنده استدعا میکنم چون مدتی این موضوع تاخیر شده است و قریب چهار روز است که بنده این لایحه را تقدیم کرده ام پیش از این دیگر اجازه ندهند و مقتضی ندانند که این امر بتأخیر و

تمویق بیفتد (خسرو قشقایی - ۳۰ روز از آن چهل روز را که مشغول کار خودتان بودیم) مرحمت فرمودید

**نایب رئیس - رأی می گیریم**

کفایت مذاکرات آقایانی که موافقت دارند با کفایت مذاکرات قیام فرمائید (اکثر بر خاستند) تصویب شد حال باید بپردازیم بطرح پیشنهادها فعلاً ده دقیقه تنفس اعلام میکنم

(سه ربع قبل از ظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل و مجدداً ده دقیقه بعد از ظهر تشکیل گردید)

**نایب رئیس - پیشنهادها مطرح**

است پیشنهادی است که از طرف جمع زیادی از آقایان رسیده و مقدم است قسراحت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی امضاء کنندگان زیر پیشنهاد میکنم که ماده واحده شرکت اتوبوسرانی عمومی بترتیب ذیل اصلاح و ماده واحده زیر جانشین آن بشود

ماده واحده - دولت مکلف است به وسیله وزارت کشور اتوبوسرانی عمومی شهر تهران و توابع را بشرکت واحدی که پنجاه و یک درصد سهام آن متعلق بدولت و یا شهرداری قانونی خواهد بود و چهل و نه درصد بقیه سهام آن متعلق باتباع ایران باشد و گذار نماید

تبصره (۱) حق انحصاری اتوبوسرانی عمومی شهر بمیزان بیست درصد کل سرمایه شرکت سهم پرداختی دولت بوده بقیه سی و یک درصد سهام سرمایه تمهیدی دولت محسوب میشود و مجموع پنجاه و یک درصد سهام دولت بمحض تشکیل انجمن قانونی شهر بشهرداری انتقال مییابد

تبصره (۲) مالکین فعلی اتوبوسهای تهران و توابع که در تاریخ تقدیم لایحه دولت اجازه اتوبوسرانی در دست داشته اند در یک مدت معینی برای خرید چهل و نه درصد سهام بتناسب بهای اتوبوسهایی داشته اند بر دیگران حق تقدم خواهند داشت طریقۀ ارزشیابی و واگذاری اتوبوسهای فعلی به شرکت بابت بهای سهام و مدت را آئین نامه معین خواهد نمود

تبصره (۳) کارکنان فعلی اتوبوسها از قبیل راننده و کومک راننده و بلیط فروش برای استخدام در شرکت در صورت واجد بودن شرایط بر دیگران حق تقدم خواهند داشت

تبصره (۴) وزارت کشور و شهرداری های دارای انجمن قانونی میتوانند برای تهیه سرمایه سهمی تمهیدی خود در شرکت مجروحاً حداکثر تا مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال از بانک ملی ایران وام دریافت و در مدت ده سال مستطک نمایند



بصره (۵) - وزارت کشور مکلف است یک از شهرهای دیگر مستقیماً یا به شهرداری که دارای انجمن قانونی باشد شرکت واحد ایرانی محلی بر طبق قانون و آئین نامه های آن اقدام

بصره (۶) - آئین نامه اجرائی این منتهی در ظرف یکماه بتصویب هیأت ان رسیده اجرا خواهد شد

در کمیسیون تصویب آئین نامه نمایندگان کارکنان اتوبوس های فعلی تهران به دعوت خواهند شد

بصره (۷) - اگر در ظرف مدت مصرح آئین نامه مذکور تاسیس شرکت واحدی محلی صورت نپذیرد وزارت کشور و بازاری های دارای انجمن قانونی مجازند خود را اساساً تاسیس شرکت واحد اتوبوس شهر اقدام کنند

نریمان - مهندس حسینی - دکتر فاخر - خسروانی - نجفی فردوسی - دکتر شینازی - احمد رضوی - رضا رفیع - مری - کهید - انگجی - عبدالرحمن برزی - اخگر - دکتر مصباح زاده - درمانندی - شهیدی - مجتهدی - حاج سید دی - اقبال غروی - دکتر شایگان - شادلو - کتر سنجانی - مجد زاده - زیرک زاده - ذکائی - سرتیب - وکیل پور - مجید موسوی و سه های دیگر

**نایب رئیس** - آقای نریمان توضیحی بد فرمائید

**ه کتر هایگان** - آقای پیشنهاد نهایی در اجماع فرمائید قرائت کنند برای اینکه گفته است

**نایب رئیس** - دولت پیشنهادی است ( کریمی - بنده تقدیم کردم) آقای کشور مطالبی فرمودند ولی پیشنهادی در مجلس باید تصمیم بگیرد فرمائید قرائت

**نریمان** - بنده در ضمن توضیحاتی که عرض کرده واحده پیشنهادی دولت عرض کردم که در درجه اول باید منافع عمومی باشد تا منافع عمومی با آن ماده در نظر خواهد شد بجهت اینکه منافع شرکت هم همان منافع صاحبان اتوبوس فعلی باشد حالاً چه باید کرد باید وضع اتوبوسها در صورت خارج شود و طوری اداره شود تا منافع عمومی محفوظ بماند دادن امتیاز بیک شرکت اتوبوسرانی البته لازم است که این که مجموع اتوبوسرانی باید نظر گرفته شود و از مجموعش مردم باید بکنند یعنی در جاهایی که جمعیت است و خط کوتاه است توأم بشود هائی که جمعیت کم است و خط کوتاه اتوبوس دایر بشود تا همه مردم از نعمت اتوبوس بهره مند بشوند باین جهت مجبوریم که نظر واحد بدین انحصار بدیم انحصار دادن در يك امری که محتاج

روزانه مردم است بدست يك شرکت واحد خصوصی البته این مصلحت نیست و از لحاظ اقتصادی هم صحیح نیست یعنی چاره ای جز این نیست که در دست دولت و البته بطریق اولی در دست شهرداری قانونی باشد یعنی شهرداریهایی که دارای انجمن قانونی هستند و برای رعایت حال مالکین فعلی هم آمدم تلفیق کردیم گفتیم ۴۹ درصد سهام مال آنها باشد ولی اکثریت سهام در دست شهرداری باشد یعنی در جاهایی که در حال حاضر انجمن شهرداری قانونی تشکیل نشده است دست وزارت کشور و آنجا هائی که انجمن شهرداری قانونی تشکیل شده است در دست شهرداری باشد برای اینکه رعایت منافع عمومی بشود و طور دیگر نمی توان مطمئن باشیم که منافع عمومی رعایت خواهد شد بموجب این ماده واحده که پیشنهاد شده است اتوبوسرانی بیک شرکت یعنی امتیاز اتوبوسرانی شهر بیک شرکت واحدی که ۵۱ درصد سهام آن متعلق بدولت و با شهرداری های قانونی باشند و ۴۹ درصد بقیه سهام آن متعلق با افراد ایرانی باشد و اگذار می شود و البته این ۴۹ درصد در بصره توضیح داده شده و حق تقدم برای خرید سهام با صاحبان فعلی اتوبوس است برای اینکه حق آنها تضییع نشده باشد و ضمناً برای اینکه اکثریت قانونی و طبیعی در يك شرکت سهامی در دست کسی باشد که اداره امور یعنی محور کارها و سکان در دست کسی باشد که مورد نظر برای اصلاح اینکار است و آن شهرداری است و لازمه اش این است که ۵۱ درصد سهام اقل متعلق بشهرداری باشد و برای اینکه رفع محظور دولت هم شده باشد که بگویند پول فعلاً لازم دارند و ممکن است در دستشان نباشد ما پیش بینی کردیم که ۲۰ درصد از ۵۱ درصد تشکیل بشود از حق امتیاز وصول سی و يك که باقی مانده است از ۵۱ درصد هم تعهد می شود و این موضوع هم رفع محظور دولت را میکند و باین سرمایه همان صدی ۲۰ اضافه میشود و منافع تعلق می گیرد آنچه که پرداخت شده که عبارت است از ۴۹ درصد مالکین و صدی ۲۰ دولت و مادام که صدی ۳۱ از طرف دولت پرداخت نشده منافع بآن تعلق نخواهد گرفت باین جهت هم رفع محظور دولت که آقایان مالکین فعلی اتوبوسها خواهد شد و البته در ضمن توسعه کار شرکت که بتدریج هم منافع بهمان ترتیب پرداخت خواهد شد دولت هم ۳۱ درصد خودش را خواهد گرفت در بصره ای هم این موضوع پیش بینی شده است که اگر لازم شد شهرداری وامی از بانک ملی بگیرد و ۱۵ میلیون هم حداکثر است و تأمین شده در این پیشنهاد که بکنه ای هم پیش بینی شده که قرار بود در آئین نامه ذکر بشود و بادر پیشنهاد خودمان ذکر کردیم و آن این است که

مالکین فعلی حق تقدم داشته باشند نسبت آن ۴۹ درصد و کارکنان فعلی اتوبوسها هم که واجد شرایط هستند حق تقدم داشته باشند نسبت بديگران برای خدمت در آن شرکت بنده امروز وقتی که بمجلس میامدم يك اعلامیه چاپی در مجلس به بنده دادند و فراموش کردم آن را در عرایض سابقم خدمت آقایان عرض کنم و آن از طرف رانندگان و کمک رانندگان اتوبوسرانی است می نویسند ما خود بهتر از هر کس میدانیم که در خیابانهای پر جمعیت تند حرکت نمودن یا در ایستگاههای فرعی مسافرین بیچاره را که هر يك باید بدنبال کارهای لازم خود بروند معطل کردن خلاف عرف و قانون و مقررات است اما چه کنیم که آخر شب باید منافع فراوان بجهت مالکین بر طمع خود سرازیر کنیم این تقریباً تا بید عرایضی بود که بنده کردم باین ترتیب با این ۵۱ درصد هم منافع عمومی تأمین می شود یعنی منافع عمومی از لحاظ مسافرین و هم از کارکنان اتوبوس که اگر شرکت واحد تشکیل شود وضع آنها معلوم نیست که بدتر نشود بجهت اینکه اگر حالا با يك مالک سروکار دارند اگر بخدمت آنها خانه داده شود جای دیگر می توانند بروند کار کنند ولی وقتی که شرکت واجب شد این بیچاره ها سروکار با يك مدیر شرکت واحد دارند و بآن شرکت طرف خواهند بود و معلوم نیست که وضع آنها بدتر نشود ولی با وارد بودن شهرداری و اداره کردن امور بدست شهرداری اشکالی برای کارکنان فعلی اتوبوس نخواهد بود و بصره هائی هم که داده شده سه نا از آنها همان است که خود دولت هم پیشنهاد کرده و در بصره آن هم چیزی است که بنده عرض کردم راجع بحق تقدم مالکین و حق تقدم کارکنان اتوبوس و مطلب دیگری هم که اینجانب پیش بینی شده این است که در جاهایی که شهرداری قانونی تشکیل نشده است وزارت کشور این کارها را خواهد کرد و وقتی که شهرداری قانونی تشکیل شود اگذار شهرداری خواهند نمود یعنی مستقل خواهد شد به شهرداری و بنده تصور میکنم که توضیح بیشتری لازم نباشد و مقصود اصل مطلب در این پیشنهاد این است که اگر امتیاز و انحصار داده میشود این امتیاز باید به دستگاههای عمومی که در واقع مال مردم است و منافع مردم را بهتر تأمین میکند داده شود نه بدستگاه های خصوصی در این پیشنهاد با در نظر گرفتن پنجاه و يك درصد حق مالکین فعلی هم تأمین شده است

**نایب رئیس** - آقای وزیر کشور فرمائید

**وزیر کشور** - بنده تصور میکنم که پیشنهاد جناب آقای نریمان مبتنی بر قبول این اصل است که دولت یعنی وزارت کشور و با انجمن های قانونی شهرداریها در اداره

این امر رأی کافی داشته باشد و بلکه اکثریت از نظر رأی داشته باشند و این پیشنهادی که ایشان فرمودند که پنجاه و يك درصد دولت یا شهرداری ها صاحب سهم باشد و چهل و نه درصد سهم مالکین فعلی برای این نبوده است که بمنافع فعلی مالکین لطمه ای بزنند بیست درصد هم دولت از نظر حق امتیاز همانطور که ایشان تعبیر فرمودند برای خود در نظر گرفته سی و يك درصد هم که جناب آقای نریمان میفرمایند برای اینست که دولت رأی داشته باشد و این را در طرحی که آقای کریمی تقدیم کرده اند تأمین شده است برای اینکه آن طرح در اثر مشورت و مذاکرات چندین جلسه صورت گرفته است بنده تصور میکنم که اگر بخواهیم حقوق مالکین فعلی را چنانکه مقتضی است محفوظ بداریم و بخواهیم صاحبان سهم از نظر رأی در هیئت مدیره با منظور داشتن شهرداری اکثریت بدهیم بدون تردید طرح آقای کریمی بیشتر این نظر را تأمین میکند و مورد قبول دولت هم هست و اما مطلبی که جناب آقای نریمان در خصوص سرمایه سی و يك درصد فرمودند که باید ۱۰۰ میلیون ریال از بانک قرض گرفته شود بنده باید این را برای استحضار خاطر مبارک آقایان عرض کنم این عملی نیست و بانک های ما فعلاً بقدری بکارهای دیگر مشغول هستند که نمیتوانند ۱۰۰ میلیون ریال از این جهت باختیار شهرداریها بگذارند مسئله دیگر آنرا در طرحشان اگر اشتباه نکرده باشم فرمودند که دولت یا شهرداری بنده میخواهم این مطلب را اینجاصراحتاً عرض کنم که بهیچ قسم مصلحت نیست که دولت در این امر اتوبوسرانی خودش را وارد کند و دامن خودش را آلوده کند شهرداری اگر قرض بگیرد از بانک ملی بانک و باستظهار عواید و عوارضی است که در شهر دارد و دولت چکار دارد که در این میان وارد شود و قرض بکند و اتوبوسرانی را اداره نماید باین بنده تقاضا میکنم اگر مقام ریاست قبول فرمائید بنده همانطور که قبلاً عرض آقایان رسانیدم چون گمان میکردم که قبلاً پیشنهاد آقای کریمی مطرح خواهد شد اگر اجازه فرمائید آن پیشنهاد قرائت بشود و اساس بحث قرار گیرد چون آن پیشنهاد مورد قبول دولت هم هست

**نایب رئیس** - آقای کریمی بعنوان مخالف با این پیشنهاد میخواهید صحبت کنید؟

**ملك مدنی** - بنده قبلاً اجازه گرفته بودم

**کریمی** - بنده زودتر اجازه گرفتم

**نریمان** - بنده توضیح داشتم

**نایب رئیس** - آقای نریمان بد فرمائید

**آقای ملك مدنی** - فرمائید



**ملك مدنی** - بنده اول اجازه گرفتم حتی از اینکه جلسه هنوز تعطیل نشده بود و خود آقای رئیس هم اطلاع دارند بنده هیچوقت بمقوق دیگری تجاوز نمیکنم عرض کنم يك مطلبی مورد قبول همه ما هست و آن اینست که باید اتوبوسرانی شهر تهران و شهرستانهای دیگر يك نظم و ترتیبی پیدا کند که مورد استفاده عموم واقع شود و برای اینکار تصمیمی باید اتخاذ شود این مورد اتفاق همه است شکی نیست منتهی در راه و طریق آن بحث است که چه باید کرد بنده باین پیشنهادی که از طرف جناب آقای نریمان و یکمده دیگری از آقایان محترم داده شده است سه چهار نظر اصلاحی دارم که دوتا را آقای وزیر کشور در اینجا بیان فرمودند یکی انجمن شهر تهران است اساساً يك انجمن قانونی در تهران وجود ندارد که ما بخواهیم این اختیار را باو بدهیم و بگوئیم که تو بیا و برو ۱۰ میلیون تومان از بانک ملی قرض کن در صورتیکه بانک ملی همچو پولی ندارد فرض بفرمائید در صورتیکه انجمن شهر هم بود ما نباید با این همه عسرت و وضعیت ناچوری که داریم و خودمانهم اطلاع داریم که دولت چقدر بیانك مقروض است باز دورتره بیائیم از بانک پول بگیریم (صحیح است) و حال آنکه يك اشخاصی حاضر هستند که سرمایه شانرا در این کار بکار بیندازند بگذارید سرمایه عمومی و ملی مردم بکار بیفتد بنظر بنده چون ما در طهران انجمن قانونی نداریم این اختیار را باید بوزارت کشور بدهیم و همانطور که خود آقای وزیر کشور هم فرمودند بای وزارت کشور را نباید باین کار بکشیم یکی از اشکالاتی که بنظر بنده در این طرح پیشنهادی آقایان هست همین است ، دوم مطلبی که بنظر بنده رسیده این است که ما باید مدت تعیین کنیم برای این امتیاز تا ابد که نباید امتیاز بدهیم و انحصار بلامدت نباید داد و اساساً این فکر صحیح است و بنظر من يك نقص این پیشنهاد این است که مدت باید در آن تعیین شود یا این پیشنهاد یا پیشنهاد دیگری که از طرف جناب آقای کریمی که مورد تصویب مجلس شورای ملی واقع بشود برای اینکه چند سال دیگر ممکن است اوضاع و احوال تغییر کند و محتاج بتجدید نظری در کلبه شئون بشوند همانطوریکه شهر تهران بسرعت دارد پیشرفت میکند توسعه پیدا میکند همینطور در بحث نباید این امتیاز و این اختیار را باشخاص بدهیم ملاحظه فرمودید در موضوع شرکت تلفن که این امتیاز را دولت های سابق کمال از مشروطه داده بودند اشکال بر خوردیم و دولت از راه ملی کردن آمد وارد شد اشکال آن را دفع کرد حالا در مرتبه بیائیم اشکالی برای دولت ایجاد کنیم مرتباً در مسائلی دارد و نظر من اینست که در این

قانون مدت تعیین کنیم و مدتش هم نباید طولانی باشد . خیلی کوتاه باشد که حق تجدید نظر مردم داشته باشند زیرا که کار اتوبوسرانی باسرنوشت مردم و سرنوشت مردم شهرستانهای مائماس دارد (نریمان - ماده ۹۰) و بنده خیال نمیکنم که جناب آقای نریمان و سایرین در این موضوع مخالف باشند و مطلب دیگر این است که این پیشنهادات طبع و توزیع شده ما هم نمیدانیم چیست . يك مرتبه همینطور چند ماده و تبصره را بجای قانون میآیند میخوانند چه پیشنهاد آقای نریمان و سایرین و چه پیشنهاد آقای کریمی و دیگران که آنرا امضاء کرده اند بنظر بنده اگر موافقت بفرمائید که ما بتوانیم از روی اطلاع و بصیرت اظهار نظر بکنیم و بآن رای بدهیم این پیشنهاد هارا طبع و توزیع بفرمائید که برای جلسه آینده روی این پیشنهاد يك تصمیم صحیح بگیریم و بتوانیم نظر بدهیم . الان که آقای منشی این پیشنهاد را خواندند واقماً بنده نفهمیدم که این مواد و این تبصره چیست (یک نفر از نمایندگان - شما که امضاء کردید) بنده خواستم بمرض آقایان برسانم که همه ما در نتیجه سعی خواهیم کرد يك قانونی که برای شهر تهران و برای تمام مردم انشاء الله مفید باشد بتصویب برسانیم (صحیح است)

**فریمان** - ماده ۹۰ را اجازه بفرمائید چون بیانات بنده تحریف شده است

**فایب رئیس** - اگر تحریف شده است بیانات شما بفرمائید

**فریمان** - اینجا گفته شد که پنجاه و يك درصد انحصار بوزارت کشور واگذار می شود در صورتی که اینطور نیست فقط در جاهاییکه انجمن قانونی شهر تشکیل نشده مثل تهران فعلاً دولت مجبور است دخالت کند و خود دولت هم پیشنهادش این است مجبوریم بشهرداری بدهیم و چون انجمن قانونی نیست وزارت کشور خودش عمل میکند ولی بعضی این که انجمن قانونی تشکیل شده بخودی خود منتقل بشهرداری قانونی میشود و از این جهت نگرانی در بین نیست و اما راجع به سی و يك درصد يك سوه تفاهمی شده است این سی و يك درصد مطابق این پیشنهاد

هم تمهیدی است و مطابق قانون مادام که این سهم تمهیدی پرداخت نشده فعلاً هم احتیاج به پرداختش نیست بآن نفی تعلق بیکدیگر علیهذا در وضع فعلی منافع بین آن ۴۹ درصد و ۲۰ درصد حق امتیاز تقسیم میشود یعنی مالکین اتوبوس از تمام منافع فعلی استفاده

میکند منتهای بیست درصد راجع بحق امتیاز که آنهم در پیشنهاد آقایان بیش بینی شده است و گویا قبول کرده اند پس این پیشنهاد از لحاظ فرم و از لحاظ صورت ظاهر منطبق با قانون تجارت است یعنی دارند اکثریت سهام آنکسی است که بیشتر سهام در دستش هست نه اینکه باصطلاح بطور فیکتف بگوئیم آنکه بیست درصد سهام را دارا اکثریت هم داشته باشد اگر اکثریت در هیئت مدیره باید داشته باشد باید اکثریت سهام هم بالطبع در دست آنکسی که میخواهد اکثریت هیئت مدیره داشته باشد قرار گیرد پس بنابراین همین طور که عرض کردم تقسیم منافع بین مالکین فعلی و دولت یا شهرداری قانونی که بمیزان بیست درصد استفاده میکند باید باشد و اما راجع باین که از بانک ملی قرض گرفته بشود فعلاً احتیاجی نیست و این موضوع احتیاطاً پیش بینی شده است که اگر در آتیه احتیاجی بتوسعه اتوبوسرانی پیدا شد نسبت به طهران یا شهرستانها عمل شود و فعلاً آن ۲۰ درصد را که دولت یا شهرداری بابت منافع میگیرد برای پرداخت این سهم تعهدش میکند و اگر تکافو نکرد بتواند از بانک ملی هم قرض بگیرد ولی بنده تصور نمیکنم که باین زودبیم احتیاج پیدا شود از همان ۲۰ درصد امیدواریم که این محل تأمین شود و این هم يك عایداتی است برای شهرداری ها و همان راهم بگذارید برای آن سی و يك درصد سهام و اما راجع باینکه طبع و توزیع بشود این پیشنهادی که الان در دست است آنرا ۳۰ نفر از آقایان امضاء کرده اند و اینرا هم در جلسه خصوصی جناب آقای دکتر سنجابی خواندند و پس از اینکه آقایان ملاحظه فرمودند امضاء کردند و بیکمده ای از آقایان هم فرمودند که ما هم موافقیم و وقتی که در مجلس مطرح شد رای خواهیم داد (مکی - يك عده ای این طرح را امضاء کرده اند و هم طرح آقای کریمی را)

**فایب رئیس** - آقای نبوی فرمایشی دارید بفرمائید ؟

**نبوی** - بنده خواستم که اگر عرض کنم طرح آقای کریمی را باید جلوتر مطرح کرد بدلیل اینکه دولت الان آن طرح را بجای لایحه خودش قبول کرده است بنابراین لایحه دولت تغییر کرده است به آن طرحی که آقایان امضاء کرده اند پس دورتره اول آن چیزی که باید مطرح شود آن طرح آقای کریمی و سایرین خواهد بود نه سایر پیشنهادات البته آن پیشنهاد باید مطرح شود و روی آن رای

گرفته شود اگر تصویب شد اتوبوسرانی پیشنهادات قرائت شود

**فایب رئیس** - اجازه بفرمائید از طرف دولت تقدیم شده و دو نفر از آنهم تصویب شده اکنون همان لایحه مطرح است اولین پیشنهادی هم که رسد طبق آئین نامه باید قرائت شود و نمیتوان تقدم و تاخیری قائل بشویم و دولت هم متردد هست یکمرتبه دیگر پیشنهاد آقای نریمان قرائت میشود

(شرح سابق قرائت شد)

پیشنهادی رسیده است که تکلیف این پیشنهاد با ورقه معلوم شود قرائت می شود

(شرح ذیل قرائت شد)

امضاء کنندگان تقاضا داریم نسبت طرح اصلاحی آقایان نمایندگان مبنی بر تخصیص پنجاه و يك درصد سهام شرکت واحد اتوبوسرانی بدولت یا شهرداری قانونی باورقه اخذ رای بعمل آید

مجد زاده - اخگر - دکتر فقیر نریمان - دکتر مصباح زاده

**مکی** - باورقه باشد رای نمیدهم ورقه هم باشد رای نمیدهم

**حائری زاده** - اگر امضاء کم باشد من امضاء میکنم ولی رای نمیدهم

**فایب رئیس** - بنده اعلام رای کنم به پیشنهاد آقای نریمان باورقه آقایانی که موافقت دارند رای بدهند آقایانی که مخالفت دارند رای بدهند داد (ملك مدنی) - اجازه می فرمائید خواهش میکنم در موقع اعلام رای آقایان تذکری بفرمائید

آقایان منشی ها اخذ رای بفرمائید (اسامی آقایان بترتیب ذیل بوسیله آقای ناظر زاده اعلام و در جدول لعلق اخذ رای بعمل آمد)

اسامی آقایان : مهندس زیرک زاده ، مهندس حسینی ، دکتر شایگان ، انگیجی - میلانی ، پور مرتضی ، قبهی شیرازی - مهندس ذوالفقاری - دکتر مظهری ، دکتر کیان - دکتر شستری - اخگر - هامری - مجتهدی - هدی - افشار خادلی - موسوی - امیر افشار - داه و - جلیلی - مهندس دماوندی - نبوی - گنجه - مدرس - خفائی - وکیل - اقبال - ملك مدنی - دکتر طاهری



حمیدیه - مصدقی - دکتر بقائی - زهری  
 صفائی - شاپوری - حاج آسید جوادی -  
 شاداو - شوکتی - منصف - ناصر ذوالفقاری  
 مهندس غروی - فرزانه - جلیلی - ریگی  
 شهاب خسروانی - امامی اهری - نجفی -  
 زریمان - حائری زاده - رفیع - تولیت - میر  
 اشرفی - بهادری - ناظر زاده - دکتر فاخر  
 ( پس از شمارش آراء نتیجه  
 بقرار ذیل اعلام گردید )  
 همه حضار ۶۳ ، ورقه سفید موافق  
 ۲۹ ، ورقه کبود یک ورقه ، ورقه سفید علامت

امتناع ۲۳ برگ مخالف بی اسم ۱ ورقه  
**نایب رئیس** - بنا بر این پیشنهاد  
 تقدیمی آقای زریمان تصویب نشد  
 اسامی موافقین - آقایان : معتمد  
 دماوندی - شبستری - مهندس زیرک زاده  
 محمد ذوالفقاری - مهندس حسینی - اخگر  
 دکتر فاخر - دکتر معظمی - اقبال - یارسا  
 مجتهدی - شهیدی - شاپوری - و کپل پور  
 دکتر کبان - دکتر شاپیگان - پور سرنیب  
 موسوی - حمیدیه - شهاب خسروانی - ذکائی

زریمان - فرزانه - دکتر فلسفی - دکتر بقائی  
 زهری - دکتر فقیهی شیرازی - نجفی فردوسی  
 ناظر زاده  
 مخالف - آقای کریمی  
 ورقه سفید علامت امتناع ۲۳ برگ  
 مخالف بی اسم - یک ورقه  
**تعیین موقع دستور**  
**جلسه بعد - ختم جلسه**  
**نایب رئیس** - پیشنهادات دیگر  
 قرائت میشود ؛ پیشنهادی هم از طرف  
 آقایان رسیده که تنفس داده شود ولی با

گذشتن وقت تصور میکنم تنفس معنی ندارد  
 اگر آقایان اجازه بفرمائید جلسه را ختم  
 کنیم ( صحیح است ) بنا بر این با اجازه آقایان  
 جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده صبح سه  
 شنبه ساعت ۹ و ربع دستور لایحه اتوبوسرانی  
 و مابقی مطالبی که در دستور هست  
 ( ۵۵ دقیقه بعد از ظهر جلسه  
 ختم شد )  
 نایب رئیس مجلس شورای ملی -  
**احمد رضوی**